DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.71.11.5
مصداق‌یابی و کارکردهای فرهنگی واژه "أَصْحَابُ أَبِی" در کلام امام صادق علیه‌السلام- سیدعلیرضا حسینی‌شیرازی، محمد لطفی‌پور
علمی- پژوهشی
فصلنامه تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث **سفینه**
سال هجدهم، شماره ۷۱ «ویژه پژوهش‌های حدیثی»، تابستان ۱۴۰۰، ص ۴۷-۸۲

مصداق‌یابی و کارکردهای فرهنگی واژه "أَصْحَابُ أَبِی" در کلام امام صادق علیه‌السلام

سیدعلیرضا حسینی‌شیرازی*
محمد لطفی‌پور**

چکیده: انقلاب علمی و فرهنگی شیعه، در عصر امامت امام محمدباقر علیه‌السلام، با مدیریت آن حضرت و توسط جمعی از شاگردان زبده و نخبه ایشان آغاز شد و جامعه شیعه را از فقر فرهنگی به مرحله شکوفایی و بالندگی رساند.

این لایه از اصحاب الباقر علیه‌السلام را می‌توان با کلیدواژه «أَصْحَابُ أَبِی» در فرمایشات امام جعفر صادق علیه‌السلام بازشناخت. توصیه ویژه‌ای که امام باقر علیه‌السلام در آخرین لحظات عمر، به فرزندشان درباره یاران خود ابراز فرمودند، همچنین کارکردهای دین‌شناسانه و جامعه‌شناسانه‌ای که از سوی امام صادق علیه‌السلام در مواضع مختلف ایراد شده، ضرورت بازشناسی مصادیق و کارکردشناسی فرهنگی «أَصْحَابُ أَبِی» را بیش از پیش، هویدا می‌سازد. این نوشتار، با شیوه تحلیل متون حدیثی شیعه، به این دو مهم پرداخته است.

کلیدواژه‌ها: تاریخ حدیث شیعه؛ امام باقر علیه‌السلام؛ امام صادق علیه‌السلام؛ أَصْحَابُ أَبِی؛ تاریخ شیعه.

*. مدرس مرکز تخصصی علوم حدیث حوزه علمیه قم Sahoseini14@gmail.com
**. پژوهش‌گر مرکز تخصصی علوم حدیث حوزه علمیه قم Mohammad.lotfipur@gmail.com

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.71.11.5]

مقدمه

معمولاً سخنان و توصیه‌هایی که در واپسین لحظات عمر از جانب معصومین علیهم‌السلام ایراد می‌شود، بیانگر مهم‌ترین دغدغه ایشان و اهمیت بسیار بالای آن است. این توصیه‌ها بر نکته یا نکته‌های مهمی انگشت می‌گذارند که در آینده، اثرگذار و کارگشا خواهند بود.

یکی از این توصیه‌ها، سفارش امام باقر علیه‌السلام در آخرین لحظات عمر شریف خود به فرزندشان امام صادق علیه‌السلام می‌باشد که فرمودند: «یا جَعْفَرُ أُوصِیكَ بِأَصْحَابِی خَیراً، قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! وَ اللَّهِ لَأَدَعَنَّهُمْ وَ الرَّجُلُ مِنْهُمْ یكُونُ فِی الْمِصْرِ فَلَا یسْأَلُ أَحَداً».[1]

در خوانش گفتگوی پیش‌رو، سه نکته حائز اهمیت است:

۱. درخواست یک رفتار در قالب «أُوصِیكَ بِأَصْحَابِی خَیراً» از فرزند خود.

۲. مستور بودن نام افرادی که از آن مجموعه با عنوان مشیر «أَصْحَابِی» یاد شده است.

۳. فرو نشاندن دغدغهٔ پدر توسط امام صادق علیه‌السلام در قالب تعهدی که رفتار فرهنگی- تعلیمی ایشان را در آینده رقم خواهد زد.

عبارت «أُوصِیكَ بِأَصْحَابِی خَیراً» برای مخاطب امروزی احتمالات متعدد و نامفهوم دارند؛ ممکن است مخاطب از واژه «أَصْحَابِی» تلقی عام و شمول مفهومی برداشت کند بر هر فرد جامعه شیعی که امام باقر علیه‌السلام را ملاقات کرده است.

در حالی‌که پاسخ امام صادق علیه‌السلام، خطا بودن این تلقی را در بردارد؛ عنوان «أَصْحَابِی» یادکرد از افراد خاصی است که هیچ نام و نشانی از آن‌ها در عبارت نیامده، اما مصداق این واژه برای امام صادق علیه‌السلام معلوم و مشخص است.

۱. *الکافی*، ج۱، ص۳۰۶؛ ای جعفر! به‌تو وصیت می‌کنم که نسبت به اصحاب و یارانم نیکی کنی. امام صادق علیه‌السلام به پدر خود عرض کردند: فدایت گردم، به خدا سوگند، زمانی آن‌ها را رها می‌کنم که هر یک از آنان در شهری که قرار دارد نیاز به پرسیدن از کسی نداشته باشد.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.71.11.5]

ایشان بعد از وفات پدر بزرگوار خود، از آن افراد با عنوان مشیر «أَصحابُ أَبی» یاد می‌کنند؛ توجّه خاص به این اشخاص، سرمایه‌گذاری امام باقر علیه‌السلام برای پرورش علمی آن‌ها را نشان دهد که امام صادق علیه‌السلام با تعهد خود این رفتار تعلیمی را پیگیری و دنبال کردند.

گونه‌شناسی مصادیق "أَصْحَابُ أَبِی" در کلام امام صادق علیه‌السلام

در گزارش‌های رسیده از سوی امام صادق علیه‌السلام با تکرار چندین باره واژه "أَصْحَابُ أَبِی" روبرو هستیم. با دقت در روایات مذکور می‌توان این عنوان مشیر را به چهار دسته بخش‌بندی کرد:

یکم. گروهی از یاران که زمانِ یادکرد از آن‌ها با عنوان «أَصْحَابُ أَبِی» توسط امام صادق علیه‌السلام به بیان جایگاه و کارکردهای فرهنگی خاص‌شان پرداخته شده است، مانند: محمد بن مسلم، زرارة بن اعین، یحیی ابوبصیر الاسدی، برید بن معاویه عجلی، لیث بن بختری مرادی.

کارکردهایی مانند: پاسبانی از حریم دین، توانمند در زدودن بحران‌های فرهنگی، پیشگیری از فراموش شدنِ آثار نبوت و پاسبانی از آثار امام باقر علیه‌السلام و... حکایت از توان‌مندیِ پیشین و اثرگذاریِ پسین فرهنگی این افراد در آینده فرهنگی جامعه شیعه دارد. ویژگی خاص مصادیق «أَصْحَابُ أَبِی»، در برگرفتنِ مجموعهٔ عظیم فرهنگ شیعه از امام و پراکندن آن در جامعه شیعه می‌باشد، که در روایات زیر به آن اشاره دارد:

۱. جمیل بن دراج نقل می‌کند که به منزل امام صادق علیه‌السلام وارد شدم در حالی‌که یکی از شیعیان کوفه در حال خارج‌شدن از خدمت امام بود. وقتی خدمت حضرت رسیدم، فرمودند: آن فردی را که از نزد من خارج شد، ملاقات کردی؟ گفتم: بله، او یکی از شیعیان کوفه بود. امام فرمودند: لَا قَدَّسَ اللَّهُ رُوحَهُ وَ لَا قَدَّسَ مِثْلَهُ. حضرتش

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.71.11.5]

در ادامه، علت نفرین خود را بدگویی‌های این شخص نسبت به اصحاب پدرشان بیان فرمودند. آنگاه در جواب آن شخص ده ویژگی مهم نسبت به برید العجلی، زراره، ابوبصیر و محمد بن مسلم بیان کردند. پنجمین ویژگی «أَصْحَابُ أَبِی علیه‌السلام حَقّاً»[1] مطرح شده است، یعنی آن‌ها به یقین از اصحاب پدرم هستند.[2]

۲. «عبداللّه بن زرارة بن اعین» نقل می‌کند که امام صادق علیه‌السلام به من فرمودند: «به پدرت (زراره) سلام برسان و به او بگو: اگر سخنی علیه تو می‌گویم، بدان که برای دفاع از توست. مردم و دشمنان همواره می‌کوشند افرادی را که نزد ما جایگاه دارند و به ما نزدیکند، بیازارند. آنان این افراد را به‌خاطر دوستی ما به آنان، نکوهش می‌کنند و می‌کشند. در عوض، هر کسی را که ما نکوهش می‌کنیم و ردّ می‌نماییم، می‌ستایند. [بگو به پدرت:] اگر در ظاهر تو را نکوهش و ردّ می‌کنم، به خاطر آن است که تو به ولایت ما شناخته شده‌ای و همه می‌دانند که طالب ما هستی؛ از این رو در نزد مردم مذموم و ناپسندی، چون که ما را دوست داری و به جانب ما مایلی؛ پس خواستم تو را در ظاهر ردّ و نکوهش کنم تا نزد مردم محبوب باشی و بدین ترتیب به دینت آسیب نرسد و شرّ آنان از تو برداشته شود.»

حضرتش به‌آیه ۷۹ سوره کهف تمسک کرده و در ادامه فرمودند: «فَإِنَّكَ وَ اللَّهِ أَحَبُّ النَّاسِ إِلَی وَ أَحَبُّ أَصْحَابِ أَبِی حَیاً وَ مَیتاً، فَإِنَّكَ أَفْضَلُ سُفُنِ ذَلِكَ الْبَحْرِ الْقَمْقَامِ الزَّاخِرِ...[3]؛ تو [زراره] در حال حیات و ممات، محبوب‌ترین مردم در نزد من و محبوب‌ترین فرد از اصحاب پدرم هستی و تو سودمندترین کشتی این اقیانوس

۱. *إختیار معرفة الرجال*، ص ۱۳۷.

۲. واژه "حَقّاً" حکایت از پایداری التزام و تعهد بین اصحاب و حجت الله دارد و عبارت حاضر نشان‌گر بینش و نگرش أصحابُ أبی است که در تمام لحظات حیات، در پرتوی رهنمودهای حجت‌الله حرکت کرده و ادامه مسیر می‌دهند.

۳. *همان*، ص ۱۳۸.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.71.11.5]

طوفان زده هستی...» [1]

۳. داود بن سرحان گفت: از امام صادق علیه‌السلام شنیدم که می‌فرمودند: «با فردی سخن می‌گویم و او را از جدال و مراء در دین خدا باز می‌دارم و از قیاس پرهیزش می‌دهم؛ اما هنگامی که از نزد من می‌رود، سخن مرا به غیر مراد من تاویل می‌کند؛ به گروهی فرمان می‌دهم که به‌بحث و مناظره بپردازند و گروه دیگری را باز می‌دارم، اما هر یک سخن مرا مطابق میل خود تفسیر می‌کند، در حالی‌که انگیزه آن‌ها سرپیچی و معصیت خدا و رسول اوست. اگر شنوا و فرمان‌بردار بودند، آن‌چه را که پدرم در اختیار اصحابش قرار داد، به آن‌ها می‌سپردم.

سپس امام به توصیف اصحاب پدر خود مانند محمدبن‌مسلم، برید بن معاویه عجلی، زرارة بن اعین و لیث بن بختری مرادی پرداخته و فرمودند: و إِنَّ أَصْحَابَ أَبِی كَانُوا زَيناً أَحْيَاءً وَ أَمْوَاتاً...[2]؛ اصحاب پدرم در حیات و ممات مایه زینت هستند...»

۴. هنگامی که خاندان اعین مانند زراره و حمران خدمت امام صادق علیه‌السلام برای کسب علم در رفت و آمد بودند، ربیعةالرأی به امام صادق علیه‌السلام گفت: آن برادرانی که از عراق خدمت شما می‌رسند، در حالی‌که در بین یاران شما بهتر و برازنده‌تر از آنان ندیده‌ام، کیستند؟ امام فرمودند: «آن‌ها اصحاب پدرم (أَصْحَابُ أَبِی) هستند».[3]

دوم: یارانی که با عنوان مشیر «أَصْحَابُ أَبِی» بدون کارکرد خاصّ از آن‌ها یاد شده

---

۱. در این گزارش، جامعه پرتلاطم فرهنگی توسط امام صادق علیه‌السلام به اقیانوس طوفان زده تشبیه شده که زراره «سودمندترین فرد برای عبور دادن جامعه شیعه از این گذرگاه خطرناک» می‌باشد.

۲. *همان*، ص۱۷۰ و ص۲۳۸؛ عَنْ دَاوُدَ بن سِرْحَانَ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه‌السلام يقُولُ: إِنِّی لَأُحَدِّثُ الرَّجُلَ بِحَدِيثٍ وَ أَنْهَاهُ عَنِ الْجِدَالِ وَ الْمِرَاءِ فِی دِينِ اللَّهِ تَعَالَى، وَ أَنْهَاهُ عَنِ الْقِياسِ فَيخْرُجُ مِنْ عِنْدِی فَيتَأَوَّلُ حَدِيثِی عَلَى غَيرِ تَأْوِيلِهِ. إِنِّی أَمَرْتُ قَوْماً أَنْ يتَكَلَّمُوا وَ نَهَيتُ قَوْماً، فَكُلٌّ يتَأَوَّلُ لِنَفْسِهِ يرِيدُ الْمَعْصِيةَ لِلَّهِ تَعَالَى وَ لِرَسُولِهِ، فَلَوْ سَمِعُوا وَ أَطَاعُوا لَأَوْدَعْتُهُمْ مَا أَوْدَعَ أَبِی أَصْحَابَهُ، إِنَّ أَصْحَابَ أَبِی كَانُوا زَيناً أَحْيَاءً وَ أَمْوَاتاً، أَعْنِی زُرَارَةَ وَ مُحَمَّدَبن‌مُسْلِمٍ وَ مِنْهُمْ لَيثٌ الْمُرَادِی وَ بُرَيدٌ الْعِجْلِی، هَؤُلَاءِ الْقَوَّامُونَ بِالْقِسْطِ، هَؤُلَاءِ الْقَوَّالُونَ بِالصِّدْقِ، هَؤُلَاءِ السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ، أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ.

۳. *همان*، ص۱۶۱؛ قَالَ رَبِيعَةُ الرَّأْی لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه‌السلام: مَا هَؤُلَاءِ الْإِخْوَةُ الَّذِينَ يأْتُونَكَ مِنَ الْعِرَاقِ وَ لَمْ أَرَ فِی أَصْحَابِكَ خَيراً مِنْهُمْ وَ لَا أَهْيأَ؟ قَالَ: أُولَئِكَ أَصْحَابُ أَبِی.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.71.11.5]

است؛ مانند حسن بن خنیس، فضیل بن یسار.

دقت در دو گزارش زیر نشان می‌دهد که امام صادق علیه‌السلام نسبت به اصحاب پدرشان – به صورت عامّ- محبت ویژه‌ای داشتند و جزء «أَصْحَابُ أَبِی» بودن را به عنوان یک ارزش معرفی کردند.

۴. ابواسامه نقل می‌کند که خدمت امام صادق علیه‌السلام بودم. هنگامی‌که حسن بن خنیس عبور کرد، حضرت فرمودند: «این شخص را دوست داری؟ این فرد از اصحاب پدرم (أَصْحَابُ أَبِی) است».[۱]

شخصیت حسن بن خنیس مجهول است، به جز این گزارش، ویژگی دیگری نسبت به او وجود ندارد و در کتب اربعه تنها سه روایت از این شخص نقل شده است؛ اما امام صادق علیه‌السلام به سبب این ویژگی، امر به دوست داشتن او کردند که حکایت از سلامت عقیده در مسیر دریافت آموزه‌های هدایتی از مجرای امامت دارد.

۵. امام صادق علیه‌السلام هنگامی‌که فضیل بن یسار را در برابر خود دیدند، فرمودند: بشارت باد بر مُخبِتین (اهل تواضع و خشوع در مقابل خداوند).[۲] نیز می‌فرمودند: «فُضَیل بن یسار از اصحاب پدرم (أَصْحَابُ أَبِی) است و من دوست می‌دارم کسی را که اصحاب و هم‌نشینان پدرش را دوست بدارد».[۳]

هم‌چنین آن حضرت، علی بن سعید بصری را به فُضَیل ارجاع داده و مقام علمی

۱. *همان*، ص۴۰۳؛ عَنْ أَبِی أُسَامَةَ الشَّحَّامِ، قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه‌السلام إِذْ مَرَّ الْحَسَنُ‌بْنُ‌خُنَیسٍ، فَقَالَ ابوعَبْدِ اللَّهِ علیه‌السلام: تُحِبُّ هَذَا؟ هَذَا مِنْ أَصْحَابِ أَبِی.

۲. ظاهراً اشاره است به آیهٔ «و بشّر المخبتین» (حج / ۳۴).

۳. *همان*، ص۲۱۳؛ كَانَ ابوعَبْدِ اللَّهِ علیه‌السلام إِذَا نَظَرَ إِلَى الْفُضَیلِ‌بن‌یسَارٍ مُقْبِلًا قَالَ: بَشِّرِ الْمُخْبِتِینَ. وَ كَانَ یقُولُ: إِنَّ فُضَیلًا مِنْ أَصْحَابِ أَبِی وَ إِنِّی لَأُحِبُّ الرَّجُلَ أَنْ یحِبَّ أَصْحَابَ أَبِیهِ.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.71.11.5]

او را تأیید کرده است[1] و در برخی گزارش‌ها وی را از اهل‌بیت دانسته‌اند.[2]

سوم: بعضی از یارانی که به صورت تردیدآمیز با عنوان "أَصْحَابُ أَبِی" بدون ذکر کارکرد خاصّ از آن‌ها یاد شده است؛ مانند: ابوالصباح کنانی در گزارش زیر:

برید عجلی نقل می‌کند: من و ابوالصباح کنانی در نزد امام صادق علیه‌السلام بودیم که ایشان فرمودند: اصحاب پدرم (أَصْحَابُ أَبِی) از شما بهتر بودند، اصحاب پدرم برگ بی‌خار بودند اما شما خار بی‌برگ هستید. ابوالصباح به امام‌صادق علیه‌السلام عرض می‌کند: ما هم از اصحاب پدر شما هستیم. امام صادق علیه‌السلام فرمودند: آن روز بهتر از امروز بودید.[3]

چهارم: یارانی که اطلاق "أَصْحَابُ أَبِی" به‌آن‌ها نشده است، اما با توجه به کارکردهایی که امام باقر یا امام صادق علیهماالسلام برای آن‌ها بیان کرده‌اند، می‌توان نامشان را در زمرهٔ گروه نخست جای داد؛ مانند: حُمران بن اعیَن[4]، بُکیر بن اعیَن[5]، ابان بن تَغلِب[6]، ابوحمزه ثمالی[7] و عبدالله بن ابی یعفور[8]....

خاطر نشان می‌شود که عمومیت تعهد امام صادق علیه‌السلام به پدرشان، هر چهار گروه را در بر می‌گیرد؛ اما تمرکز نوشتار حاضر به طور خاص بر گروه اول و چهارم

---

۱. *تهذیب الأحکام*، ج۳، ص۲۷؛ ...قَالَ [الصادق علیه‌السلام] وَ احْتَسِبْ بِمَا تَسْمَعُ؛ وَ لَوْ قَدِمْتَ الْبَصْرَةَ لَقَدْ سَأَلْتَ الْفُضَیلَ‌بْنِ‌یسَارٍ، وَ أَخْبَرْتَهُ بِمَا أَفْتَیتُكَ فَتَأْخُذُ بِقَوْلِ الْفُضَیلِ وَ تَدَعُ قَوْلِی...

۲. *إختیار معرفة الرجال*، ص۲۱٤؛ رَحِمَ اللَّهُ الْفُضَیلَ‌بْنِ‌یسَارٍ، وَ هُوَ مِنَّا أَهْلَ الْبَیتِ.

۳. *همان*، ص۳۵۰؛ عَنْ بُرَیدٍ الْعِجْلِی، قَالَ: كُنْتُ أَنَا وَ ابوالصَّبَّاحِ الْكِنَانِی عِنْدَ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه‌السلام فَقَالَ: كَانَ أَصْحَابُ أَبِی وَ اللَّهِ خَیراً مِنْكُمْ، كَانَ أَصْحَابُ أَبِی وَرَقاً لَا شَوْكَ فِیهِ وَ أَنْتُمُ الْیوْمَ شَوْكٌ لَا وَرَقَ فِیهِ. فَقَالَ ابوالصَّبَّاحِ الْكِنَانِی: جُعِلْتُ فِدَاكَ! فَنَحْنُ أَصْحَابُ أَبِیكَ! قَالَ: كُنْتُمْ یوْمَئِذٍ خَیراً مِنْكُمُ الْیوْمَ.

٤. *همان*، ص۱۷٦.

٥. *همان*، ص ۱۸۱.

٦. *رجال النجاشی*، ص۱۰.

۷. *إختیار معرفة الرجال*، ص ۲۰۱.

۸. *الکافی*، ج ۲، ص۱۰٤؛ *إختیار معرفة الرجال*، ص۲٤٦ تا ۲٤۹.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.71.11.5]

قرار دارد.

درک صحیح و تحلیل درست از چگونگی تزریق فرهنگ به جامعه شیعی و تبیین جایگاه "أصحابُ أبی" و کارکرد آن‌ها در پرتوِ بازخوانی رویدادهای قبل و بعد از زمان امام باقر علیه‌السلام مقدور خواهد بود.

بازخوانی وضعیت فرهنگی شیعه قبل از امام باقر علیه‌السلام

وقایع پیش‌آمده پس از رحلت پیامبر اکرم از جمله: "قرآن‌بسندگی" در جهت تهی‌سازی معرفت دینی از آموزه‌های سنت نبوی[۱] و به کنار گذاشتن اهل‌بیت علیهم‌السلام[۲] و درگیری‌های سیاسی و نظامی و حاکمیت اختناق اموی، جامعه را به سمتی پیش برد که فرصت کافی برای ائمه پیش از امام باقر علیهم‌السلام برای بیان آموزه‌های دینی فراهم نیامد.

یکی از نگرانی‌های پُررنگ در سخنان پیامبر خاتم صلی‌الله‌علیه‌وآله، واژگونی ارزش‌ها و استحالهٔ فرهنگی بود.[۳] حضرتش از روزهایی سخن گفتند که مسلمانان به دلیل کاهلی و جهالت و نیز غفلت از توطئه‌های دشمنان، همرنگ آنان می‌شوند و ارزش‌های گهربار دینی را به فراموشی می‌سپارند. فراگیر بودن چنین فضایی در جامعه اسلامی، زمینهٔ سرنگونی و تباهی را فراهم ساخت؛ در نتیجه حلال خدا،

۱. *الکافی*، ج ۸، ص ۵۹؛ قال امیرالمؤمنین علیه‌السلام: ...ثُمَّ أَقْبَلَ بِوَجْهِهِ وَ حَوْلَهُ نَاسٌ مِنْ أَهْلِ بَيتِهِ وَ خَاصَّتِهِ وَ شِيعَتِهِ فَقَالَ قَدْ عَمِلَتِ الْوُلَاةُ قَبْلِي أَعْمَالًا خَالَفُوا فِيهَا رَسُولَ اللَّهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله مُتَعَمِّدِينَ لِخِلَافِهِ نَاقِضِينَ لِعَهْدِهِ مُغَيِّرِينَ لِسُنَّتِهِ...

۲. امام حسین علیه‌السلام نامه‌ای به پنج تن از اشراف بصره درباره کنار گذاشتن اهل‌بیت بعد از پیامبر به این مضمون نوشتند: أَمَّا بَعدُ؛ فَإِنَّ اللَّه اصْطَفى مُحَمَّداً صلی‌الله‌علیه‌وآله على خَلْقِه، وأكرَمَهُ بنُبوَّتِه، واخْتارَهُ لِرِسالَتِه، ثُمَّ قبَضَه اللَّهُ إلَيه، وقَد نصَح لِعبادِه، وبَلَّغَ ما أُرْسِلَ بِهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله وكُنَّا أهلَه وأولياءَهُ وأوصياءَهُ، ووَرَثَتَهُ، وأحَقَّ النَّاسِ بمقامِه فى النَّاسِ، فاستَأثَرَ عَلَينا قَومُنا بذلِكَ، فرَضِينا وكَرِهْنا الفُرقَةَ، وَأحبَبنا العافِيةَ، ونَحنُ نَعلَمُ أنَّا أحَقُّ بِذلِكَ الحَقِّ المستَحَقِّ عَلَينا مِمَّن تَوَلَّاه... (*تاریخ الرسل و الملوک*، ج ۵، ص ۳۷۵)

۳. *الکافی*، ج ۸، ص ۳۰۸؛ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه‌السلام: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله: سَيَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ لَا يبْقَى مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا رَسْمُهُ وَ مِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا اسْمُهُ يسَمَّوْنَ بِهِ وَ هُمْ أَبْعَدُ النَّاسِ مِنْهُ مَسَاجِدُهُمْ عَامِرَةٌ وَ هِي خَرَابٌ مِنَ الْهُدَى فُقَهَاءُ ذَلِكَ الزَّمَانِ شَرُّ فُقَهَاءَ تَحْتَ ظِلِّ السَّمَاءِ مِنْهُمْ خَرَجَتِ الْفِتْنَةُ وَ إِلَيهِمْ تَعُودُ.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.71.11.5]

حرام و حرام او حلال شمرده شد.[1]

یکی از پدیده‌هایی که بعد از پیامبر به دلیل فاصله‌گیری از نهاد امامت رخ نمود، راه‌یابی تدریجی خودرأیی در کشف آموزه‌های دینی بود. نکوهش این پدیده و توجه دادن به پیامدهای ویران‌گر آن را در سخنان امیرالمؤمنین[2] و امامان بعدی به خصوص امام باقر[3] و امام صادق علیهما السلام[4] به هنگام برحذر داشتن از اهل رأی می‌توان دید.

دور ماندن جامعه از آموزه‌های برخاسته از قرآن و سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در اثر گسترش و نفوذ فرهنگِ دگرگون و نیز حضور پررنگ چهره‌های فرهنگی تخریب‌گر، درون مایهٔ گزارش‌هایی است که از امام باقر علیه السلام نقل شده است.[5]

گذشت زمان و افزایش تهدید پدیده‌های ویران‌گر، شیعیان را با یک محاصره و تهاجم فرهنگی روبرو کرد که باورهای ایشان را هدف قرار داده بود. آشفتگی و نابسامانی فرهنگی موجود در بستر جامعه شیعی در آغاز امامت امام باقر علیه السلام نتیجهٔ طبیعی همین محاصره و تهاجم فرهنگی بود.

وضعیت فرهنگی شیعه بعد از امام باقر علیه السلام

امام صادق علیه السلام در گزارشی به بیان این واقعیت تاریخی پرداخته و وضعیت فرهنگی جامعه شیعه را در آغاز امامت امام باقر علیه السلام برای عیسی‌بن‌السری چنین

---

۱. *مکارم الأخلاق*، ص۴۵۲؛ وَ الَّذِی بَعَثَنِی بِالْحَقِ لَیأْتِیَنَّ عَلَی النَّاسِ زَمَانٌ یسْتَحِلُّونَ الْخَمْرَ وَ یسَمُّونَهُ النَّبِیذَ عَلَیهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَ الْمَلَائِکَةِ وَ النَّاسِ أَجْمَعِینَ أَنَا مِنْهُمْ بَرِیءٌ وَ هُمْ مِنِّی بُرَآءُ.

۲. *نهج البلاغة*، ص۶۰؛ تَرِدُ عَلَی أَحَدِهِمُ الْقَضِیةُ فِی حُکْمٍ مِنَ الْأَحْکَامِ فَیحْکُمُ فِیهَا بِرَأْیهِ ثُمَّ تَرِدُ تِلْکَ الْقَضِیةُ بِعَینِهَا عَلَی غَیرِهِ فَیحْکُمُ فِیهَا بِخِلَافِ قَوْلِهِ ثُمَّ یجْتَمِعُ الْقُضَاةُ بِذَلِکَ عِنْدَ الْإِمَامِ الَّذِی اسْتَقْضَاهُمْ فَیصَوِّبُ آرَاءَهُمْ جَمِیعاً وَ إِلَهُهُمْ وَاحِدٌ وَ نَبِیهُمْ وَاحِدٌ وَ کِتَابُهُمْ وَاحِدٌ- أَ فَأَمَرَهُمُ اللَّهُ [تَعَالَی] سُبْحَانَهُ بِالِاخْتِلَافِ فَأَطَاعُوهُ أَمْ نَهَاهُمْ عَنْهُ فَعَصَوْهُ.

۳. *الأمالی*، ص ۵۱؛ یا زُرَارَةُ إِیاکَ وَ أَصْحَابَ الْقِیاسِ فِی الدِّینِ...

۴. *همان*، ص۵۲؛ لَعَنَ اللَّهُ أَصْحَابَ الْقِیاسِ...

۵. *الکافی*، ج ۱، ص ۳۹۳.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.71.11.5]

ترسیم می‌کنند:

... وَ كَانَتِ الشِّيعَةُ قَبْلَ أَنْ يكُونَ ابوجَعْفَرٍ، وَ هُمْ لَا يعْرِفُونَ مَنَاسِكَ حَجِّهِمْ وَ حَلَالَهُمْ وَ حَرَامَهُمْ؛ حَتَّى كَانَ ابوجَعْفَرٍ فَفَتَحَ لَهُمْ وَ بَيَنَ لَهُمْ مَنَاسِكَ حَجِّهِمْ وَ حَلَالَهُمْ وَ حَرَامَهُمْ، حَتَّى صَارَ النَّاسُ يحْتَاجُونَ إِلَيهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا كَانُوا يحْتَاجُونَ إِلَى النَّاس...[1]

این فراز از گزارش، سه خصوصیت در دوره امامت امام باقر علیه‌السلام را در دل خود جای داده است:

۱. آشفتگی و نابسامانی فرهنگی جامعه شیعه (آغاز امامت امام باقر علیه‌السلام)

دیدیم که امام صادق علیه‌السلام فرمودند: "وَ كَانَتِ الشِّيعَةُ قَبْلَ أَنْ يكُونَ ابوجَعْفَرٍ وَ هُمْ لَا يعْرِفُونَ مَنَاسِكَ حَجِّهِمْ وَحَلَالَهُمْ وَ حَرَامَهُمْ." از این جمله به دست می‌آید که برایند عمومی جامعه شیعه، در محاصره فرهنگی و بیگانگی نسبت به دریافت آموزه‌های معرفتی و احکام فقهی شیعه قرار داشته و آن را از مسیر اصلی خود یعنی ائمه معصومین دریافت نمی‌کردند.

هم‌جواریِ جامعه شیعه با همسایگانی که پس از رحلت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله راه خویش را از مسیر فرهنگی اهل‌بیت جدا کردند از یک سو، و حاکمیت حکومت‌های غیرشیعی که از نخستین روزها به هدف جداکردن جامعه از نهاد امامت و جلوگیری از نشر آموزه‌های اصیل و بی‌پیرایه دینی بنا نهاده شده‌اند از سوی دیگر، تهدیدی جدی برای استمرار حیات فرهنگی – اجتماعی شیعیان به‌شمار می‌رفت.[2] برآیند

۱. *همان*، ج۲، ص۲۰؛ شیعه تا قبل از ابوجعفر [امام باقر علیه‌السلام] مناسک حج و حلال و حرام [احکام و فروع فقهی] خود را به درستی نمی‌دانست تا این‌که دوران امام باقر علیه‌السلام فرا رسید و ایشان دانش را بر شیعیان گشودند و مناسک حج آنان و حلال و حرامشان را به گونه‌ای تبیین کردند که مردم، نیازمندِ اهل‌بیت گشتند در حالی‌که پیش از آن شیعیان به دیگران نیازمند بودند.

۲. البته با شروع امامت امام باقر علیه‌السلام این تهدیدها پایان نیافت؛ بلکه دامنه آن، جان شیعیان و به ویژه چهره‌های کوشا در نشر و گسترش فرهنگ شیعی را به خطر می‌انداخت، و حبس، تبعید و ب ه‌شهادت رساندن امامان را نیز به‌دنبال داشت؛ شدت این تهدیدات تا زمان امام صادق علیه‌السلام ادامه داشت. گاه به اندازه‌ای بود که حتی اگر شیعیان در وقت خواندن نماز، به یک روش عمل می‌کردند، شناسایی شده و جانشان به خطر می‌افتاد. (*الکافی*، ج۳، ص۲۷۶). گزارش کشّی از پیام امام صادق علیه‌السلام به زراره،←

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.71.11.5]

این تهدیدات محدود شدن جامعه و عدم دریافت آموزه‌ها از مجرای صحیح خود بود.

عبارت: "مِنْ بَعْدِ مَا كَانُوا يُحْتَاجُونَ إِلَى النَّاس" اشاره دارد که جامعه شیعه از جهت فرهنگی تحت تاثیر فعالیت شدیدِ زیر گروه‌های برخاسته از مخالفان قرار داشتند، به گونه‌ای که آموزه‌های خود را از آن‌ها می‌گرفتند.

توجه به گفتگوی امام باقر علیه‌السلام و سَدیر صیرفی در گزارش زیر می‌تواند فضای آن زمان را آشکار سازد:

... هَؤُلَاءِ [أَبُوحَنِيفَةَ وَ سُفْيان الثَّوْرِي] الصَّادُّونَ عَنْ دِينِ اللَّهِ بِلَا هُدًى مِنَ اللَّهِ وَ لَا كِتَابٍ مُبِينٍ. إِنَّ هَؤُلَاءِ الْأَخَابِثَ لَوْ جَلَسُوا فِي بُيُوتِهِمْ، فَجَالَ النَّاسُ فَلَمْ يَجِدُوا أَحَداً يُخْبِرُهُمْ عَنِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ عَنْ رَسُولِهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله، حَتَّى يأْتُونَا فَنُخْبِرَهُمْ عَنِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ عَنْ رَسُولِهِ.[1]

از این گزارش در چگونگی ترسیم فعالیت گسترده برخی از زیر گروه‌های اهل سنت با گرایش‌های متفاوت برای خنثی‌کردن فعالیت فرهنگی اهل‌بیت علیهم‌السلام به خوبی هویدا می‌شود که نتیجه آن جلوگیری از دسترسی به آموزه‌های شیعی است.[2]

به همین دلیل است که امام علیه‌السلام برای برون‌رفت و عبوردادن جامعه شیعه - و در یک نگاه کلان، عبوردادن جامعه اسلامی از این فضای آلوده - دو برنامه و اقدام اساسی را پی‌ریزی کردند:

به‌گونه‌ای پرده از چهره این تهدید بر می‌دارد: فَإِنَّ النَّاسَ وَ الْعَدُوَّ يسَارِعُونَ إِلَى كُلِ مَنْ قَرَّبْنَاهُ وَ حَمِدْنَا مَكَانَهُ لِإِدْخَالِ الْأَذَى فِي مَنْ نُحِبُّهُ وَ نُقَرِّبُهُ، وَ يرْمُونَهُ لِمَحَبَّتِنَا لَهُ وَ قُرْبِهِ وَ دُنُوِّهِ مِنَّا، وَ يرَوْنَ إِدْخَالَ الْأَذَى عَلَيهِ وَ قَتْلَهُ، وَ يحْمَدُونَ كُلَّ مَنْ عِبْنَاهُ نَحْنُ... (*إختيار معرفة الرجال*، ص۱۳۸)

۱. *الکافی*، ج۱، ص۳۹۲؛ ابوحنیفه و سفیان ثوری کسانی هستند که بدون هدایتی از سوی خدا و کتاب مبین، مردم را از دین خدا باز می‌دارند، کاش در خانه‌های خود می‌نشستند و مردم می‌گشتند و کسی را نمی‌یافتند که خدا و رسولش به آن‌ها خبر دهد و نزد ما می‌آمدند تا به‌آنان درباره خداوند آگاهی دهیم.

۲. ر.ک کتاب: *ترجمة ابی حنیفه*، دارای متون قابل تأملی در خصوص زوایای مختلف شخصیت ابوحنیفه می‌باشد که از پنجاه کتاب تاریخی – رجالی اهل سنت گزینش و تبویب و فهرست‌نگاری شده است.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

مصداق‌یابی و کارکردهای فرهنگی واژه "اصحاب" در کلام امام صادق علیه‌السلام

[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.71.11.5]

الف) هشدارهای مکرر: امام باقر علیه‌السلام به شاگردان خود نسبت به حضور اثرگذار جامعه رقیب هشدار می‌دادند:[1]

عَنْ زُرَارَةَ بن أَعْيَنَ قَالَ: قَالَ لِي ابوجَعْفَرٍ مُحَمَّدُبن‌عَلِي علیه‌السلام: يا زُرَارَةُ! إِيَاكَ وَ أَصْحَابَ الْقِيَاسِ فِي الدِّينِ؛ فَإِنَّهُمْ تَرَكُوا عِلْمَ مَا وُكِّلُوا بِهِ، وَ تَكَلَّفُوا مَا قَدْ كُفُوهُ؛ يتَأَوَّلُونَ الْأَخْبَارَ وَ يكْذِبُونَ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ...[2]

ب) تربیت برخی چهره‌ها تا حدّ مرجعیت علمی: از این میان می‌توان به ابان بن تَغلِب[3] که در بین پیروان خلفا دارای جایگاه علمی بود، اشاره کرد. وی به دستور امام در مسجد پیامبر نشسته و به مراجعات علمی مردم پاسخ می‌دادند. به جهت استواری در این جایگاه، نهاد امامت افرادی مانند سلیم بن ابی حیة[4] و ابان بن عثمان[5] را برای گرفتن توشه‌های فرهنگی پُرشمار به ابان ارجاع می‌دادند.

ایجاد این نوع مرجعیت علمی دارای جهت‌گیری کلی برای استقرار کارکرد فرهنگی و دین‌گسترانه حدیث داشت که به‌تبع آن تغییر نگرش عمومی در فضای حاکم جامعه پدیدار گردید.

۲. بنیان نهادن حرکت فرهنگی عمیق و تاثیرگذار توسط امام باقر علیه‌السلام

---

۱. بَابُ الْبِدَعِ وَ الرَّأْيِ وَ الْمَقَايِيسِ در کتاب *الکافی* دربردارنده هشدارهای امام باقر علیه‌السلام می‌باشد که مخاطبان را از افتادن در دام مُهلِک نظریه‌پردازی مبتنی بر رای شخصی و بدون اتصال به منبع وحی برحذر می‌داشتند؛ به عنوان نمونه: عَنْ مَسْعَدَةَ بن صَدَقَةَ قَالَ حَدَّثَنِي جَعْفَرٌ عَنْ أَبِيهِ علیهما‌السلام أَنَّ عَلِياً صلوات الله علیه قَالَ: مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلْقِيَاسِ لَمْ يزَلْ دَهْرُهُ فِي الْتِبَاسٍ. وَ مَنْ دَانَ اللَّهَ بِالرَّأْيِ لَمْ يزَلْ دَهْرُهُ فِي ارْتِمَاسٍ. قَالَ: وَ قَالَ ابوجَعْفَرٍ علیه‌السلام: مَنْ أَفْتَى النَّاسَ بِرَأْيِهِ فَقَدْ دَانَ اللَّهَ بِمَا لَا يعْلَمُ. وَ مَنْ دَانَ اللَّهَ بِمَا لَا يعْلَمُ فَقَدْ ضَادَّ اللَّهَ حَيثُ أَحَلَّ وَ حَرَّمَ فِي مَا لَا يعْلَمُ. (*الکافی*، ج ۱، ص۵۷)

۲. *الأمالی*، ص۵۱؛ زراره نقل می‌کند که امام باقر علیه‌السلام فرمودند: زراره! از کسانی که در دین خدا قیاس می‌کنند بپرهیز؛ چون دانستنِ آنچه را که به آن مکلف هستند رها ساخته و خود را نسبت به آن‌چه تکلیفی ندارند به رنج و زحمت افکنده‌اند، آنان اخبار را تاویل می‌کنند و بر خداوند دروغ می‌بندند...

۳. *رجال النجاشی*، ص۱۰؛ قَالَ لَهُ ابوجَعْفَرٍ علیه‌السلام: اجْلِسْ فِي مَسْجِدِ الْمَدِينَةِ وَ أَفْتِ النَّاسَ؛ فَإِنِّي أُحِبُّ أَنْ يرَى فِي شِيعَتِي مِثْلُك.

٤. *همان*، ص۱۳؛ عن سليم بن أبي حية قال: كنت عند أبي عبد الله علیه‌السلام، فلما أردت أن أفارقه ودّعته و قلت: أحبّ أن تزودني، فقال: ايت أبان بن تغلب، فإنه قد سمع مني حديثاً كثيراً، فما روى لك فاروه عني.

۵. *همان*، ص۱۲؛ عن أبان‌بن‌عثمان عن أبي عبد الله علیه‌السلام: أن أبان بن تغلب روى عني ثلاثين ألف حديث، فاروها عنه.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.71.11.5]

فقه به عنوان مجموعه آموزه‌های رفتاری که نشان از باورهای عمیق و زیر بنایی مذهبی دارد، مهم‌ترین و شاخص‌ترین مجموعه آموزه‌های دینی را تشکیل داده که استقلال و هویت فرهنگی جامعه شیعه را به دنبال دارد.

شیعه به‌دلیل پیشینهٔ تاریخی دگرگون و فشار و خفقان بنی‌امیه، امکان علنی ساختن فقه و هویت فرهنگی خویش را در جامعه نداشت.

دیدیم که امام صادق علیه‌السلام فرموده‌اند: "حَتَّى كَانَ ابوجَعْفَرٍ فَفَتَحَ لَهُمْ وَ بَيَّنَ لَهُمْ مَنَاسِكَ حَجِّهِمْ وَ حَلَالَهُمْ وَ حَرَامَهُمْ" این جمله نشانگر راهبرد امام باقر علیه‌السلام برای سامان بخشیدن و انسجام جامعه شیعه و نشر فراگیر آموزه‌های فقهی بود؛ زیرا فقه به مثابه یک بسته معرفتی[1] است که تمام باورمندان جامعه اسلامی هر لحظه به آن نیاز دارند[2] و با گسترش و پای‌بندی به آن منجر به‌جدا سازی جامعه شیعی از جامعه فرهنگی رقیب می‌شود.

۳. استقلال فرهنگی شیعه و اثرگذاری در فرهنگ جامعه رقیب

در حدیث امام صادق علیه‌السلام خواندیم: "حَتَّى صَارَ النَّاسُ يَحْتَاجُونَ إِلَيهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا كَانُوا يَحْتَاجُونَ إِلَى النَّاس" این جمله پیدایش تحولی بنیادین و دگرگون‌ساز به رهبری و

---

۱. به‌کار بردن "بسته معرفتی" گویای این حقیقت است که فقه شیعه بر پایه دو باور هویت پیدا می‌کند:

الف) باور به وجود خداوند متعال و حاکمیت علی الاطلاق او. (ر.ک: گفتگوی منصوربن‌حازم با امام صادق علیه‌السلام: قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه‌السلام: إِنَّ اللَّهَ أَجَلُّ وَ أَكْرَمُ مِنْ أَنْ يعْرَفَ بِخَلْقِهِ بَلِ الْخَلْقُ يعْرَفُونَ بِاللَّهِ، قَالَ صَدَقْتَ...؛ (*الکافی*، ج۱، ص۸۶، *إختیار معرفة الرجال*، ص۴۲۰)

ب) باور به‌انتصاب ائمه معصوم علیهم‌السلام از جانب خداوند متعال به عنوان لسان گویای خدا و حجت بین خالق و خلق و از طرف دیگر هر آن‌چه به عنوان فقه از سوی ایشان بیان شود، عین حق و واقع است: وَ لِكُلِّ ذَلِكَ عِنْدَنَا تَصَارِيفُ وَ مَعَانٍ تُوَافِقُ الْحَق (*إختیار معرفة الرجال*، ص۱۳۹)

۲. مجموعه آموزه‌های فقهی نیاز لحظه به‌لحظه هر فردِ باورمند جامعه ایمانی است، زیرا هر مکلّفی در افعال و گفتار و رفتار خود به احکام خمسه تکلیفیه نیاز دارد، اما در مباحث اعتقادی مانند توحید و امامت به دلیل داشتن لایه‌های متفاوت، امکان دسترسی همه افراد به سطوح مختلف آن در مراحل اولیه دین‌باوری نیست؛ بلکه دریافت بخشی از حقیقت در لایه‌های مباحث توحیدی در پرتو تبعیت از امام معصوم قابل دریافت است.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.71.11.5]

مدیریت امام علیه‌السلام در رویکرد فرهنگی جامعه شیعی را نشان می‌دهد.

نهاد امامت دارای ویژگی‌هایی چون: برخورداری از دانش لازم برای گستراندن آموزه‌های دینی در بستر جامعه است که پاسخ‌گویی به تمام نیازهای دین‌شناختی[1] و خدایی بودنِ این دانش[2] و خطا ناپذیر بودن[3] را دربردارد. پیامد آن غنی‌شدن شیعه از لحاظ محتوا و رخ‌نمودن هویت فرهنگی مستقل و نیازمندیِ فرهنگی جامعه اهل سنت به شیعیان بود.

پرسش مهم این است که امام باقر علیه‌السلام چه گام‌هایی را برای این تحول فرهنگی برداشتند تا جامعه شیعه را از این بستر تاریک عبور داده و به استقلال فرهنگی برسانند؟ و چگونه این تحول فرهنگی به دست آیندگان رسید؟

مدیریت فرهنگی جامعه شیعه توسط امام باقر علیه‌السلام

ترمیم فرهنگی جامعه شیعیان و ایمن‌سازی آن در برابر تهدیدهای روز افزون جامعه فرهنگی پیروان مکتب خلفا، نیازمند پیاده‌سازی طرح جدید بود؛ طرحی که توانِ پوشش‌دادن و برآورده کردن سه هدف اساسی را داشته باشد:

۱. تزریق آموزه‌ها و باورهای گوناگون دینی به‌جامعه هدف (شیعیان) با نظر داشتنِ مجموع شرائط و عناصر درونی و بیرونی پیرامون جامعه شیعه[4]؛

۲. دستیابی به هویت فرهنگی مستقل و تأثیرناپذیری از باورهای جامعه فرهنگی

---

۱. *الکافی*، ج۱، ص۲٦۱؛ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا مِنْهُمْ عَبْدُ الْأَعْلَى وَ ابوعُبَيدَةَ وَ عَبْدُ اللَّهِ‌بن‌بِشْرٍ الْخَثْعَمِی سَمِعُوا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه‌السلام يقُولُ: إِنِّی لَأَعْلَمُ مَا فِی السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِی الْأَرْضِ وَ أَعْلَمُ مَا فِی الْجَنَّةِ وَ أَعْلَمُ مَا فِی النَّارِ وَ أَعْلَمُ مَا كَانَ وَ مَا يكُونُ. قَالَ: ثُمَّ مَكَثَ هُنَيئَةً، فَرَأَى أَنَّ ذَلِكَ كَبُرَ عَلَى مَنْ سَمِعَهُ مِنْهُ؛ فَقَالَ: عَلِمْتُ ذَلِكَ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ، إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يقُولُ: فِيهِ تِبْيانُ كُلِ شَیءٍ.

۲. ر.ک: *همان*، ج۱، ص۲٦۰، بَابُ أَنَّ الْأَئِمَّةَ علیهم‌السلام يعْلَمُونَ عِلْمَ مَا كَانَ وَ مَا يكُونُ وَ أَنَّهُ لَا يخْفَى عَلَيهِمُ الشَّیءُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيهِمْ. *همان*، ج۱، ص۲۷۳، بَابُ الرُّوحِ الَّتِی يسَدِّدُ اللَّهُ بِهَا الْأَئِمَّةَ علیهم‌السلام.

۳. ر.ک: *همان*، ج۱، ص۳۹۹، بَابُ أَنَّهُ لَيسَ شَیءٌ مِنَ الْحَقِّ فِی يدِ النَّاسِ إِلَّا مَا خَرَجَ مِنْ عِنْدِ الْأَئِمَّةِ علیهم‌السلام وَ أَنَّ كُلَّ شَیءٍ لَمْ يخْرُجْ مِنْ عِنْدِهِمْ فَهُوَ بَاطِل.

٤. ر.ک: *نقش عناصر تاریخی در تبیین عقاید اهل‌بیت علیهم‌السلام*، فصل دوم، ص۵۷ تا ۱۳۵؛ ر.ک: *التاریخ الاسلامی: دروس و عبر*.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.71.11.5]

اهل سنت[1]؛

۳. فراهم آوردن بستری مناسب برای انتقال آموزه‌ها به‌نسل‌های آینده با کمترین میزان آسیب‌پذیری و بالاترین میزان باورپذیری.

انقلاب فرهنگی امام باقر علیه‌السلام با بیان "حدیث" ایجاد شد؛ زیرا حدیث، تنها و مهم‌ترین ابزار برای انتقال و گسترش آموزه‌های دینی معصوم در بستر جامعه ایمانی است.

گسستِ جغرافیایی بین محلّ زندگی امام و جامعه شیعه، خلائی را پدید آورده بود که برای همه شهروندان جامعه شیعه فرصت برقراری ارتباط حضوری با امام برای دریافت آموزه‌ها ممکن نبود. برای از بین بردن این خلأ چند حالت قابل تصور است: کوچ شیعیان به مدینه جهت دانش‌اندوزی یا اقامت امام در جامعه شیعه (کوفه)؛[2] در حالی‌که این دو اتفاق پدیدار نشد، رخداد سوم "تربیت فرهیختگان شیعه در متن جامعه" بود.

جامعهٔ شیعه نیازمند نخبگانی بود که در بالاترین مرتبهٔ دین‌شناسی پس از معصوم قرار بگیرند تا خلأ وجود امام را در مناطق مختلف به‌جهت نقش آفرینی فرهنگی از میان بردارند.[3]

مهم‌ترین حرکت امام باقر علیه‌السلام، تربیت راویان کوشا و فرهنگ‌گستر مانند "أَصحابُ أَبی" بود که با دریافت حداکثری آموزه‌های دینی و نشر آن در بستر جامعهٔ فرهنگی

۱. *الکافی*، ج۲، ص۲۰، ... حَتَّی صَارَ النَّاسُ یحْتَاجُونَ إِلَیهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا کَانُوا یحْتَاجُونَ إِلَی النَّاس.

۲. از بعضی گزارش‌ها چنین استنباط می‌شود که امام صادق علیه‌السلام برای مدت محدودی در کوفه اقامت داشتند. (ر.ک: *فرحة الغری*، ص ۵۸)

۳. امام صادق علیه‌السلام در تفسیر آیه شریفه "وَ مَنْ یتَّقِ اللَّهَ یجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً وَ یرْزُقْهُ مِنْ حَیثُ لا یحْتَسِبُ" اشاره به خلأ بین امام و شیعیانی نموده که امکان تحصیل آموزه‌ها را به گونه مستقیم ندارند؛ اما خداوند افرادی را به عنوان ابزار کارآمد می‌گمارد تا آموزه‌های اهل‌بیت را به این افراد برسانند (ر.ک: *الکافی*، ج ۸، ص ۱۷۸)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.71.11.5]

شیعه، زمینهٔ ایمن‌سازی آن فرهنگ از انحرافات را فراهم آوردند.

محمد بن مسلم با چهار سال اقامت در مدینه، در پی روحیه پرسش‌گری خود، اندوخته‌های دین‌شناختی فراوانی را به دست آورد و به جایگاه دین‌شناس برتر ارتقاء یافت. برآیند آن، سی هزار روایت از امام باقر علیه‌السلام و شانزده هزار روایت از امام صادق علیه‌السلام است.[1]

زراره از افرادی بود که در مدینه اقامت گزید و با داشتن وقت اختصاصی بین نماز ظهر و عصر از امام باقر علیه‌السلام، این امکان برای او فراهم آمد تا در مدت زمان طولانی، آموزه‌های دینی را بی‌واسطه از ایشان فرا بگیرد.[2]

ابان بن تغلب روایات فراوانی را از امام باقر علیه‌السلام دریافت و به دستور ایشان در مسجد مدینه نشست و فتوی می‌داد.[3]

با نگاه آماری زیر می‌توان راویان دین‌شناس و پُرکار[4] را - که به دلیل برخورداریِ حداکثری از آموزه‌های دینی در رفع نیاز و اصلاح فرهنگ جامعه نقش آفریدند - پی‌گرفت:

در کتب اربعه شیعه تعداد ۸۲۷۴ سند[5] از امام باقر علیه‌السلام توسط ۳۶۰ راوی نقل شده است که هشت نفر اول بر اساس میزان فراوانی در جدول زیر درج گردیده است:

۱. *اختیار معرفة الرجال*، ص۱٦۷.

۲. *الکافی*، ج۷، ص۹٤؛ ... فَأَتَيتُهُ مِنَ الْغَدِ بَعْدَ الظُّهْرِ وَ كَانَتْ سَاعَتِي الَّتِي كُنْتُ أَخْلُو بِهِ فِيهَا بَينَ الظُّهْرِ وَ الْعَصْرِ...

۳. *رجال النجاشی*، ص۱۰؛ اجلس فی مسجد المدینة و أفت الناس، فإنی أحب أن یری فی شیعتی مثلك.

٤. فردی که در طُرق نقل بسیاری از کتاب‌های قرار گرفته باشد، به عنوان راوی فعال و پر کار و پر تکرار شناخته می‌شود. (*اعتبار سنجی احادیث شیعه*، ص۱۷۴)

۵. کاربست واژه "سند" به جای "روایت" به سبب تکراری بودن برخی احادیث در کتب اربعه است.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.71.11.5]

نام راوی	تعداد سند	درصد
محمدبن‌مسلم الثقفی	۱۸۶۶ سند	٪۲۴ /۱۹
زرارةبن‌اعین الشیبانی	۱۸۶۵ سند	٪ ۲۴/۱۷
یحیی ابوبصیر الاسدی	۴۳۶ سند	٪ ۵/۶۵
محمدبن‌قیس ابوعبدالله البجلی	۳۸۰ سند	٪ ۴/۹۳
جابربن‌یزید الجعفی	۲۹۳ سند	٪ ۳/۸۰
ثابت‌بن‌دینار ابوحمزه الثمالی	۲۴۰ سند	٪ ۳/۱۱
الفضیل‌بن‌یسار النهدی	۲۱۰ سند	٪ ۲/۷۲
بریدبن‌معاویه العجلی	۲۰۲ سند	٪ ۲/۶۲

از این آمار به دست می‌آید که ۱۹/ ۷۱ درصد از تراث حدیثی امام باقر علیه‌السلام توسط هشت راوی کوشا و ۲۸/۸۱ درصد دیگر توسط ۳۵۲ راوی دیگر نقل شده است.

طرح این پرسش جای دارد که اصحاب پُرکار امام باقر علیه‌السلام بر پایهٔ کدام ویژگی‌ها و کارکردها به این جایگاه علمی و نقش آفرینیِ کم‌نظیر در انتقال آموزه‌های شیعی به نسل‌های پس از خود رسیدند؟

کارکردهای فرهنگی مصادیق "أَصْحَابُ أَبِی"

نقش فرهنگی مصادیق "أَصحابُ أَبی" در میان چهار تهدید زیر رخ می‌نماید:

الف) تهی‌دستیِ فرهنگیِ همه جانبهٔ جامعهٔ شیعه.

ب) سمّ‌پراکنی گروه‌های تخریب‌گر فرهنگی در کوفه مانند اهل رأی.[1]

ج) تهدید بنیان افکن جریان انحرافی غلوّ.[2]

د) پدیدهٔ گسستِ جغرافیایی میان جامعهٔ شیعه و امام علیه‌السلام.

با توجه به چهار پدیدهٔ فوق در جامعهٔ شیعه، امام باقر علیه‌السلام به تربیت افرادی همت

۱. ر.ک: مقاله اصحاب رأی، *دائرةالمعارف بزرگ اسلامی*، ج ۹، ص۱۲۶تا ۱۳۲.

۲. ر.ک: *اعتبار سنجی احادیث شیعه*، ص ۳۹۴.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.71.11.5]

گماردند تا با فرض عدم حضور امام در بستر جامعه، بتوانند نبض فرهنگی جامعهٔ شیعه را در همهٔ عرصه‌های دینی کنترل کنند. بی‌گمان جامعیت دین‌شناسی، مهم‌ترین نیاز این افراد بود تا بتوانند وظیفهٔ خود در پاسبانی از حریم دین را در زدودن بحران‌های فرهنگی نشان دهند.

از سوی دیگر فرا زمان و مکان بودن فرهنگ غنی اسلام بایسته می‌نمود که مجموعهٔ داشته‌های فرهنگی این افراد به نسل‌های پسین انتقال داده شود تا برای آیندگان راهگشا باشد.

عامل بنیادینِ محبوب شدن و اعتماد به این افراد خاصّ، کوشا بودن در دو عرصهٔ دریافت دقیق آموزه‌ها از امام و گستراندن آن‌ها در بستر جامعه به بهترین شکل ممکن است.

آنان با فقه‌مداری و نهادینه‌کردن آموزه‌های فقهی به تحول و غنای جامعه شیعه می‌اندیشیدند و از طرف دیگر جامعه را از افتادن در دام فقه‌گریزی و اباحه‌گری غالیان برحذر می‌داشتند.

این‌گونه نقش آفرینی، اینان را شایستهٔ دریافت نشانِ پر افتخار "أَصحابُ أَبی" به عنوان زنده‌کنندگان و مدافعان فرهنگ دینی می‌کند.[۱]

در گزارش‌های مختلف از امام صادق علیه‌السلام، افزون بر روشن‌ساختنِ هویتِ "أَصحابُ أَبی"، به کارکرد فرهنگی آن‌ها و دلیلِ بزرگ‌داشت ایشان اشاره شده است:

۱. مرجعیت در دین‌شناسی

فضای جامعه شیعه در بازهٔ زمانی صادقین علیهماالسلام نیاز به دین‌شناسان جامع داشت تا با کوشش و اثرگذاری در بستر جامعه، دگرگونی فرهنگی را رقم زنند.[۲]

۱. مستندات سطور فوق در ادامه مطالب این بخش ذکر خواهد شد.

۲. از صدر روایت «عَالِمٌ يَنْتَفِعُ بِعِلْمِهِ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ أَلْفَ عَابِدٍ» (*الکافی*، ج۱، ص۳۳) می‌توان دو ویژگی را برای اصحاب←

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.71.11.5]

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.71.11.5]

توان دین‌شناختیِ همه جانبهٔ "أصحابُ أبی" در مرحله‌ای قرار داشت که به عنوان مخزن علم امام باقر و صادق علیهما‌السلام و حاملان اسرار معرفی گردیدند. کشّی در گزارشی، این کارکرد و توان را چنین حکایت می‌کند: «...وَ کَانُوا عَیبَةَ عِلْمِهِ وَ کَذَلِكَ الْیوْمَ هُمْ عِنْدِی، هُمْ مُسْتَوْدَعُ سِرِّی...»[۱]

کشّی در گزارش دیگر از طبقه اول اصحاب اجماع، چهرهٔ "أَصحابُ أَبی" را در جامعیت دین‌شناختی به تصویر کشیده است.[۲]

نجاشی در یادکردِ یکی از "أصحابُ أبی" یعنی زراره می‌گوید: «زرارة بن أعین... شیخ أصحابنا فی زمانه و متقدمهم... قد اجتمعت فیه خلال الفضل و الدین، صادقا فیما یرویه».[۳]

روشن‌ترین خصوصیتی که بر پایهٔ سخن نجاشی می‌توان برداشت کرد، در برداشتنِ تمام نشانه‌های فضل و دین در زراره است.

محمدبن‌مسلم از دیگر راویانی است که با تکیه بر اندوخته‌های علمی خود به عنوان برترین فقهاء شناخته شده[۴] و تا بدان جایگاه ارتقاء می‌یابد که مرجع رفع اختلافات میان زراره و هشام‌بن‌سالم قرار می‌گیرد.[۵] نجاشی او را فقیه و مورد اعتمادترین یاران امام معرفی کرده است.[۶]

الباقر علیه‌السلام تصویر کرد: دین‌شناسِ کامل و جامع به همراه تاثیرگذاری در جامعه.

۱. *إختیار معرفة الرجال*، ص ۱۳۷.

۲. *همان*، ص ۲۳۸.

۳. *رجال النجاشی*، ص ۱۷۵.

٤. *إختیار معرفة الرجال*، ص١٣٦؛ قَالَ أَبُو احْمَدَ: فَسَمِعْتُ عَبْدَ الرَّحْمَنِ بن الْحَجَّاجِ وَ حَمَّادَبن‌عُثْمَانَ یقُولَانِ: مَا کَانَ أَحَدٌ مِنَ الشِّیعَةِ أَفْقَهَ مِنْ مُحَمَّدِبن‌مُسْلِمٍ.

٥. *الإختصاص*، ص٥٣؛ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیرٍ أَنَّ هِشَامَبن‌سَالِمٍ قَالَ لَهُ: مَا اخْتَلَفْتُ أَنَا وَ زُرَارَةُ قَطُّ فَأَتَینَا مُحَمَّدَبن‌مُسْلِمٍ؛ فَسَأَلْنَاهُ عَنْ ذَلِكَ إِلَّا قَالَ لَنَا قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه‌السلام فِیهَا کَذَا وَ کَذَا، وَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه‌السلام فِیهَا کَذَا وَ کَذَا.

٦. *رجال النجاشی*، ص ٣٢٤.

۲. پاسداری از حریم دین

در گزارش عیسی‌بن‌السری مهم‌ترین و گسترده‌ترین کار امام باقر علیه‌السلام بازگردان حلال و حرام تبیین شده است. در گزارش‌های مختلف دیگر، مصادیق "أَصحابُ أَبی" به‌عنوان حافظان حریم دین مورد توجه قرار گرفته‌اند: «هَؤُلَاءِ حُفَّاظُ الدِّينِ»[۱] زیرا در بازگو کردن احکام حلال و حرامی که از امام باقر علیه‌السلام در اختیار داشتند، امین بودند.[۲] به سبب پاسداریِ صحیح از این امانت، طالبان علم را برای دریافت بسته‌های معرفتی به آن‌ها ارجاع داده‌اند.[۳]

تحول فرهنگی با توجه به دور بودن مرکز استقرار شیعیان (کوفه) از مدینه که امام در آن می‌زیستند، بدون بهره‌گیری از فرهیختگان جامعهٔ شیعی امکان‌پذیر نبود. "أَصحابُ أَبی" در دو عرصهٔ دریافت آموزه‌های معارفی و فقهی از امام و گستراندن آن در جامعه شیعی با امانت‌داری کامل به بهترین شکلِ ممکن، نقش آفرینی کردند.[۴]

زنده کردن یاد اهل‌بیت علیهم‌السلام[۵] و برپا داشتن یاد امام باقر علیه‌السلام[۶]، پیش‌گیری از فراموش شدن آثار نبوت[۷] و پاسداری از آثار امام باقر علیه‌السلام[۸] از دیگر کارکردهای

---

۱. *إختیار معرفة الرجال*، ص۱۳٦.

۲. در گزارش‌های رسیده از امام صادق علیه‌السلام تکرار و تاکید درباره امانت‌داری «أصحابُ أبی» قابل مشاهده است: هَؤُلَاءِ حُفَّاظُ الدِّينِ وَ أُمَنَاءُ أَبِی علیه‌السلام عَلَى حَلَالِ اللَّهِ وَ حَرَامِهِ (*همان*، ص۱۳٦)، ائْتَمَنَهُمْ عَلَى حَلَالِ اللَّهِ وَ حَرَامِهِ (*همان*، ص۱۳۷)، أَرْبَعَةٌ نُجَبَاءُ أُمَنَاءُ اللَّهِ عَلَى حَلَالِهِ وَ حَرَامِهِ (*همان*، ص۱۷۰)، هَؤُلَاءِ الْقَوَّالُونَ بِالصِّدْقِ (*همان*، ص۲۳۹).

۳. *همان*، ص ۱۳۵ و ۱٦۱.

٤. در انتهای مقاله حاضر اشاره می‌شود که اصحاب ابی در دریافت و گستراندن احادیث پایبند به سیستمی بودند که امام باقر علیه‌السلام برای آن‌ها ترسیم کرد، به همین جهت جامعه شیعه احادیث را به بهترین شکل ممکن دریافت کردند.

۵. *همان*، ص۱۳٦؛ عَنْ سُلَيمَانَبن‌خَالِدٍ الْأَقْطَعِ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه‌السلام يقُولُ: مَا أَحَدٌ أَحْيا ذِكْرَنَا وَ أَحَادِيثَ أَبِی علیه‌السلام إِلَّا زُرَارَةُ وَ ابوبَصِيرٍ لَيثُ الْمُرَادِی وَ مُحَمَّدُبن‌مُسْلِمٍ وَ بُرَيدُبن‌مُعَاوِيةَ الْعِجْلِی...

٦. *همان*، ص۱۳۷؛ يحْيونَ ذِكْرَ أَبِی علیه‌السلام.

۷. *همان*، ص۱۷۰؛ لَوْ لَا هَؤُلَاءِ انْقَطَعَتْ آثَارُ النُّبُوَّةِ وَ انْدَرَسَتْ.

۸. *همان*، ص۱۳٦؛ قَالَ ابوعَبْدِ اللَّهِ علیه‌السلام: رَحِمَ اللَّهُ زُرَارَةَبن‌أَعْينَ لَوْ لَا زُرَارَةُبن‌أَعْينَ لَوْ لَا زُرَارَةُ وَ نُظَرَاؤُهُ لَانْدَرَسَتْ أَحَادِيثُ أَبِی علیه‌السلام.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.71.11.5]

"أَصحابُ أَبی" در جهت دفاع از حریم دین نام برده شده است.

۳. توانمندی در زدودن بحران‌های فرهنگی

همان‌گونه که گذشت، در راهبرد امام باقر علیه‌السلام، گسترش همه جانبه و فراگیرِ آموزه‌های فقهی در اولویت نخستین قرار گرفت. از سوی دیگر جریان‌های انحرافی مانند غالیان، زدودنِ فقه مداری و گسترش اباحه‌گری را در دستور کار خود قرار داده بودند[۱]؛ با توجه به این دو واقعیت مهم، خوانش گزارش‌های زیر معنا و مفهومی ویژه پیدا می‌کند:

کشّی در رجال خود گزارش می‌کند: "بِهِمْ یکْشِفُ اللَّهُ کُلَّ بِدْعَةٍ ینْفُونَ عَنْ هَذَا الدِّینِ انْتِحَالَ الْمُبْطِلِینَ وَ تَأْوُّلَ الْغَالِین"[۲] این گزارش به روشنی به بیان کارکرد راویان دین‌شناسی می‌پردازد که وجود خود را ظرف آموزه‌های هدایتیِ فراگرفته از نهاد امامت قرار داده‌اند؛ کارکردی که در پرتو بهره‌گیریِ دانش دینی از مجرای عصمت و کاربست درست آن در عرصهٔ اجتماع - نقشی چون نقش امامان که در ضمن حدیث پیامبر گرامی در کتاب قرب الإسناد[۳] بدان اشارت رفته است - برای این گروه از راویان رقم می‌زند. این نقش عبارت است از: پیراستن دین از تحریف گزافکاران و ساخته‌های باطل پسندان و تأویل نادانان.

نکتهٔ در خور درنگ در گزارش «فَإِنَّكَ أَفْضَلُ سُفُنِ ذَلِكَ الْبَحْرِ الْقَمْقَامِ الزَّاخِرِ»[۴] یادکرد از زراره به عنوان ایمن‌ترین کشتیِ فرهنگی در اقیانوس عمیق متلاطم و توفان زده است که بستری امن و پیراسته از هر کژی را برای دریافت آموزه‌های دینی فراهم

---

۱. ر.ک: *دعائم الإسلام*، ص ٤٨ تا ٥٠.

۲. *إختیار معرفة الرجال*، ص ۱۳۷.

۳. *قرب الإسناد*، ص ۷۷؛ أَنَّ النَّبِی صلی‌الله‌علیه‌وآله قَالَ: «فِی کُلِّ خَلَفٍ مِنْ أُمَّتِی عَدْلٌ مِنْ أَهْلِ بَیتِی، ینْفِی عَنْ هَذَا الدِّینِ تَحْرِیفَ الْغَالِینَ، وَ انْتِحَالَ الْمُبْطِلِینَ، وَ تَأْوِیلَ الْجُهَّالِ...»

٤. *إختیار معرفة الرجال*، ص ۱۳۹.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

مصداق‌یابی و کارکردهای فرهنگی واژه "أصحابُ أبی" در کلام امام صادق علیه‌السلام

[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.71.11.5]

می‌آورد؛ پر واضح است که خارج از چنین مسیری امکان انحراف و نرسیدن به حقیقت دین وجود دارد.

این گزارش‌ها رویارویی مستقیم و همه جانبهٔ "أَصحابُ أَبی" به وسیلهٔ نشر آموزه‌ها در برابر تهدیدها و انحراف‌ها را نشان می‌دهد. توانِ ایمن‌سازی فرهنگی از طرف آن‌ها بحران‌های فرهنگی جریان‌های منحرف را می‌زداید و جامعه را از کژی‌ها و ناراستی‌ها عبور می‌دهد. این پدیده تا آن‌جا ادامه یافت که مخالفان، تاب ایستادگی در برابر حرکت فرهنگی عمیق و همه جانبه و هدف‌دارِ امام باقر علیه‌السلام را نداشتند. جمیل بن دراج در گزارش کوتاهی نقش تاثیرگذارِ یاران آن حضرت را در زدودن جریان انحرافی غلوّ نمایانده و می‌گوید: غالیان را بر اساس بغض‌شان نسبت به مصادیق "أَصحابُ أَبی" شناسایی می‌کردیم.[1]

۴. راه‌گشایی برای نسل‌های آینده

استمرار حیات احادیث امام باقر علیه‌السلام و جلوگیری از نابودی و به فراموشی سپردن آن، مدیون تلاش‌های "أَصحابُ أَبی" است: لَوْ لَا زُرَارَةُ وَ نُظَرَاؤُهُ لَانْدَرَسَتْ أَحَادِيثُ أَبِی علیه‌السلام.[2] از طرف دیگر این افراد کوشا امکان دریافت و کشف حقیقت دین را برای نسل‌های پسین فراهم آوردند: وَ لَوْ لَا هَؤُلَاءِ مَا كَانَ أَحَدٌ يسْتَنْبِطُ هَذَا....[3]

برون‌دادِ تعهد امام صادق علیه‌السلام به پدرشان نسبت به اصحاب پدر

همان‌طور که اشاره گردید، امام صادق علیه‌السلام به پدرشان تعهد دادند: فدایت گردم، به خدا سوگند زمانی آن‌ها (اصحاب ابی) را رها می‌کنم که هر یک از آنان در شهری که قرار دارد، نیاز به پرسیدن از کسی نداشته باشد.[4]

---

۱. *همان*، ص ۱۳۸؛ قَالَ جَمِيلٌ: وَ كُنَّا نَعْرِفُ أَصْحَابَ أَبِی الْخَطَّابِ بِبُغْضِ هَؤُلَاءِ رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيهِمْ.

۲. *همان*، ص ۱۳٦.

۳. *همان*، ص ۱۳٦؛ "هذا" در این روایت اشاره به دین دارد.

٤. *الکافی*، ج ۱، ص۳۰۶؛ جُعِلْتُ فِدَاكَ وَ اللَّهِ لَأَدَعَنَّهُمْ وَ الرَّجُلُ مِنْهُمْ يكُونُ فِی الْمِصْرِ فَلَا يسْأَلُ أَحَداً.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.71.11.5]

نکتهٔ در خور درنگ این‌است که امام صادق‌علیه‌السلام وقتی از "أَصْحَابُ أَبِی" به عنوان مخزن علم امام[1]، حافظان دین[2]، امانت‌داران در بازگویی احکام[3] یاد می‌کند، به جامعیت آن‌ها اشاره کرده است.

تعهد امام به پدر خود، روی‌دادنِ اتفاقات جدید در جامعه مسلمین را نشان می‌دهد. از یک جهت جامعهٔ رقیب با اجرای طرح‌های فرهنگی به دنبال تخریب بنیان‌های فرهنگی شیعه بود و از سوی دیگر، اصحاب امام از آگاهی کافی و همه جانبه نسبت به زوایا و ابعاد طرح‌های آن‌ها برخوردار نبودند.

پرواضح است که جامعهٔ شیعه با توجه به نیازها و چالش‌ها و تهاجم‌های فرهنگی جدید، نیازمند تسلیح و تجهیز مجدّد جهت تقویت زیرساخت‌ها و غنی‌سازی و ایمن‌سازی فرهنگ شیعی بود. در این‌بازهٔ زمانی تنها برای امام که آگاه نسبت به آینده و پدیده‌های پدیدار شده آگاهی کامل دارد، توان تشخیص نیازها وجود دارد. طبیعی است که چنین امامی بهترین راهکار را برای موضع‌گیری جامعهٔ شیعه در برابر بحران‌ها و رخ‌دادهای فرهنگی در آینده ارائه می‌دهد.[4]

پیامد گامهایی که امام نسبت به افزایشِ توانِ دین‌شناختی برای رساندن به مرحلهٔ شایستهٔ فقاهت و مرجعیت علمی برداشتند، در گزارش جمیل بن دراج نمودی

← جالب توجه است که امام صادق‌علیه‌السلام تعهد خود را با سه تاکید بیان کردند که حکایت‌گر اهمیت بسیار زیاد دغدغه امام باقر‌علیه‌السلام است: الف) شروع این جمله با قسم "وَ اللَّهِ"، ب) لام بر سر فعل مضارع، ج) نون تاکید ثقیله.

۱. *إختیار معرفة الرجال*، ص۱۳۷؛ کَانُوا عَیبَةَ عِلْمِهِ وَ کَذَلِکَ الْیوْمَ هُمْ عِنْدِی، هُمْ مُسْتَوْدَعُ سِرِّی.

۲. *همان*، ص۱۳٦.

۳. *همان*، ص۱۳٦و ۱۳۷ و۱۷۰و ۲۳۹.

٤. یکی از موارد تاکید امام صادق‌علیه‌السلام به‌کتابت و انتشار حدیث بین عموم جامعه شیعه، وجود اتفاقاتی است که آیندگان با آن روبرو هستند و با استفاده از کلام امام از آن عبور خواهند کرد: قال ابوعَبْدِ اللَّهِ‌علیه‌السلام: «اکْتُبْ وَ بُثَّ عِلْمَکَ فِی إِخْوَانِکَ؛ فَإِنْ مِتَّ فَأَوْرِثْ کُتُبَکَ بَنِیکَ، فَإِنَّهُ یأْتِی عَلَی النَّاسِ زَمَانُ هَرْجٍ لَا یأْنَسُونَ فِیهِ إِلَّا بِکُتُبِهِمْ». (*الکافی*، ج۱، ص۵۲)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.71.11.5]

آشکار پیدا کرده است[1] تا نشان دهد امام صادق علیه‌السلام تعهد خود را در قبال دغدغه‌های امام باقر علیه‌السلام و برون‌داد علمی آن به انجام رسانده است.

برون‌دادِ علمیِ تعهد امام صادق علیه‌السلام

در میان نگاشته‌های حدیثی، گزارش‌های فراوانی از امام صادق علیه‌السلام در جهت شناخت منزلت شیعیان و اصحاب می‌توان دید، از جمله: «اعْرِفُوا مَنَازِلَ شِيعَتِنَا بِقَدْرِ مَا يُحْسِنُونَ مِنْ رِوَايَاتِهِمْ عَنَّا، فَإِنَّا لَا نَعُدُّ الْفَقِيهَ مِنْهُمْ فَقِيهاً حَتَّى يَكُونَ مُحَدَّثاً؛ فَقِيلَ لَهُ: أَ وَ يَكُونُ الْمُؤْمِنُ مُحَدَّثاً؟ قَالَ: يَكُونُ مُفَهَّماً وَ الْمُفَهَّمُ مُحَدَّثٌ».[2]

در روایت پیش‌رو، شناخت منزلت شیعیان را به‌اندازهٔ توجه‌دادن به کارکردِ دین گسترانه و انتقال احادیث به بهترین شکل ممکن به جامعه می‌داند که در عبارتِ "بِقَدْرِ مَا يُحْسِنُونَ مِنْ رِوَايَاتِهِمْ عَنَّا" بدان اشارت رفته است.

طبیعی است که هر چه دامنهٔ دین‌گستریِ راوی افزایش یابد، جامعیت علمی او فراتر می‌رود تا آنکه به مقام فقاهت و دین‌شناسی دست می‌یازد. این مقامی است که به دلیل ارتباط پیوسته با امام، به‌دست آمده، به گونه‌ای که از آن به مقام "تحدیث"[3] یاد می‌شود.[4]

از نکته سابق چنین برمی‌آید که "مَنَازِلَ شِيعَتِنَا" در بیان شاخصه راویان مورد وثوق برای دریافت آموزه‌های صحیح است که پرآوازه‌ترین آن‌ها "أَصْحَابُ أَبِي" – به عنوان تمام نمای تفکر شیعه- است که عبارت بودند از: زراره، محمد بن مسلم، ابوبصیر، برید و...

---

۱. *اختیار معرفة الرجال*، ص۱۳۷؛ كَانُوا عَيبَةَ عِلْمِهِ وَ كَذَلِكَ الْيَوْمَ هُمْ عِنْدِي، هُمْ مُسْتَوْدَعُ سِرِّي.

۲. *همان*، ص۳؛ منزلت شیعیان ما را به اندازه آنچه از روایات ما می‌دانند بشناسید؛ چرا که ما شیعه فقیه را فقیه نمی‌دانیم تا آنکه محدث باشد. از امام سؤال شد: آیا مؤمن هم محدّث می‌شود؟ حضرت فرمود: مؤمن، مفهّم است و مفهّم همان محدّث است.

۳. ر.ک کتاب: *آموزه تحدیث در خوانش شیعه و اهل سنت*.

٤. *عیون أخبار الرضا* علیه‌السلام؛ ج۱، ص۳۰۷؛ عَنْ عُبَيدِبنِ‌هِلَالٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرِّضَا علیه‌السلام يقُولُ: إِنِّي أُحِبُّ أَنْ يكُونَ الْمُؤْمِنُ مُحَدَّثاً. قَالَ: قُلْتُ: وَ أَى شَيءٍ الْمُحَدَّثُ؟ قَالَ: الْمُفَهَّمُ.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.71.11.5]

چنین افرادی از علم امام لبریز شده و در کوفه به دین‌گستری پرداختند؛ چنانکه با تهاجم‌های فرهنگی یا سوء برداشت‌های برخاسته از متن جامعه در تقابل بود و با ارتزاق فکری از جانب امام به عنوان مخزن علم و حامل اسرار امام مطرح گردیدند،[1] به گونه‌ای که آن‌ها را به چراغ هدایت فرا روی جامعهٔ شیعه[2] و ایمن‌ترین کشتی فرهنگی در اقیانوس عمیق متلاطم و طوفان زده تبدیل کرد.[3]

گزارش‌های فراوان در کتاب‌های حدیثی و رجالی، تحقق برون‌داد علمی مصادیق "أَصْحَابُ أَبِی" را در دو حیطه - یعنی مرجعیت علمی آن‌ها در پاسخ‌گویی به نیازهای دین‌شناختی و هم‌چنین شاگردپروری - رخ می‌نمایاند:

الف) مرجعیت علمی در برطرف‌ساختن نیازهای دین‌شناختی

دست‌رسی به امام، همیشه و به راحتی امکان‌پذیر نبود، لذا چاره‌ی کار در رجوع به افرادی قرار داشت که توان‌مندیِ ایشان در پاسخ‌گویی به پرسش‌ها و نیازهای دین‌شناختیِ مورد تأیید امام بود و آن‌ها را قابل اعتماد می‌خواند؛ پنج گزارش زیر، هر دو شاخصه را در دل خود جای داده‌است:

گزارش نخست: کشّی از یونس بن یعقوب روایت کرده که گفت: ما نزد امام صادق علیه‌السلام بودیم. آن حضرت فرمود: «أَ مَا لَكُمْ مِنْ مَفْزَعٍ؟ أَ مَا لَكُمْ مِنْ مُسْتَرَاحٍ تَسْتَرِيحُونَ إِلَيهِ؟ مَا يَمْنَعُكُمْ مِنَ الْحَارِثِ‌بن‌الْمُغِيرَةِ النَّصْرِی»؟[4]

گزارش حاضر با توجه به گزینش واژه‌ها در قالب استفهام انکاری، در پیِ تفهیم این نکته است که در بستر جامعهٔ فرهنگی شیعه راویانی وجود دارند که بی‌هیچ

---

۱. *إختیار معرفة الرجال*، ص۱۳۷؛ كَانُوا عَيبَةَ عِلْمِه ...

۲. *همان*، ص۱۳۷؛ هُمْ نُجُومُ شِيعَتِی أَحْيَاءً وَ أَمْوَاتاً يحْيون.

۳. *همان*، ص۱۳۹؛... فَإِنَّكَ أَفْضَلُ سُفُنِ ذَلِكَ الْبَحْرِ الْقَمْقَامِ الزَّاخِرِ.

٤. *همان*، ص۳۳۷؛ "آیا شما پناهگاه ندارید؟ آیا شما جایگاه آرامش که در پرتو آن آرامش یابید ندارید؟ چه چیز جلوگیر شماست از مراجعه به حارث بن مغیره نصری؟"

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.71.11.5]

دغدغه، می‌توان از آن‌ها آموزه‌های دینی را دریافت کرد.

گزارش دوم: عبدالله بن ابی یعفور به‌امام صادق علیه‌السلام عرض کرد: من در هر ساعت که بخواهم، نمی‌توانم شما را ملاقات کنم و امکان نمی‌یابم خدمت شما مشرف شوم. گاهی برخی از اصحاب ما به نزد من می‌آیند و از من چیزی می‌پرسند و من پاسخ همه آن پرسشهای آنها را نمی‌دانم. حضرت فرمود: «فَمَا يَمْنَعُكَ مِنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ الثَّقَفِي فَإِنَّهُ قَدْ سَمِعَ مِنْ أَبِي وَ كَانَ عِنْدَهُ وَجِيهاً».[1]

این گزارش نشان از دغدغهٔ عبدالله بن ابی یعفور دربارهٔ فراهم نبودنِ همیشگیِ دسترسی به امام دارد؛ امام صادق علیه‌السلام در فرونشاندن این دغدغه، وی را به محمد بن مسلم ارجاع می‌دهند. فراز آخر گزارش در پیِ بیان این نکته است که با وجود محمد بن مسلم و اندوخته‌های دین‌شناختیِ او جای دغدغه و تردیدی برای دریافت آموزه‌های دینی از وی نیست.

گزارش سوم: کشّی از شعیب عقرقوفی روایت کرده که گفت: به امام صادق علیه‌السلام عرض کردم: چه بسا ما نیازمند شدیم در مورد چیزی از کسی بپرسیم، از چه کسی بپرسیم؟ فرمود: عَلَيكَ بِالْأَسَدِي، يعْنِي أَبَا بَصِيرٍ.[2]

امام صادق علیه‌السلام به دلیل توانِ دین‌شناختی و کارآمدی که در ابوبصیر سراغ داشت، شعیب عقرقوفی را به ایشان –که دایی شعیب[3] است– ارجاع می‌دهند.

گزارش چهارم: با بررسیِ گزارش‌های رجال کشی به گزارشی بر می‌خوریم که نشان از دغدغه فیض‌بن‌مختار دارد؛ دغدغه‌ای که جز با اطمینان قلب و آرامش خاطر فرو نمی‌نشیند. امام صادق علیه‌السلام به هدف فرو نشاندن این دغدغه و رساندن به

۱. *همان*، ص۱۶۱؛ "چرا از محمدبن‌مسلم ثقفی نمی‌پرسی؟ او مسائل را از پدرم شنیده، و نزد او بسیار محترم بود."
۲. *همان*، ص۱۷۱.
۳. *رجال النجاشی*، ص۱۹۵؛ شعیب العقرقوفی ابویعقوب ابن أخت أبی بصیر یحیی بن القاسم.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.71.11.5]

آرامش، او را به زراره ارجاع می‌دهند.[1]

گزارش پنجم: امام صادق علیه‌السلام، علی‌بن‌سعید بصری را به فضیل بن یسار ارجاع داده و مقام علمی او را تأیید کرده است.[2]

توجه به این نکته سودمند است که در میان راویانی که به عنوان مرجع پاسخگویی به پرسش‌های دین‌شناختی اصحاب معرفی شدند، مصادیق "أَصْحَابُ أَبِی" را می‌توان یافت؛ همان‌هایی که امام صادق علیه‌السلام متعهد گردیدند که آن‌ها را به قلهٔ فقاهت رسانده؛ تا به‌آن حدّ که بی‌نیاز از پرسیدن باشند، در حالی‌که دیگران برای دریافت پاسخ‌های خود به آن‌ها نیازمند بودند.

به عنوان شاهد، می‌توان به‌کلام نجاشی استناد کرد که دربارهٔ علاقه و اشتیاق جامعه مدینه به فراگیری آموزه‌های دینی از ابان می‌گوید: "هر گاه ابان بن تغلب به مدینه می‌رفت، مردمان مدینه برای استماع حدیث و استفادهٔ مسائل بر او هجوم می‌آوردند، چنان‌که غیر از ستون مسجد النبی، جای خالی باقی نمی‌ماند".[3]

ب) شاگردپروری و انتقال تراث به نسل‌های پسین

پیامد مرجعیت علمی، تربیت شاگرد برای انتقال احادیث به نسل‌های آینده است. در این فراز به خوانشِ گزارش‌هایی پرداخته می‌شود که چهرهٔ علمی افرادی مانند محمدبن‌مسلم و زراره در شاگردپروری را نشان دهد.

نجاشی مهم‌ترین شاخصهٔ محمدبن‌مسلم را "فقه‌مداری" می‌داند[4] و در ضمن سخن از علاءبن‌رزین به عنوان چهره‌ای سرشناس و قابل اعتماد، به شاگردپروری

---

۱. *إختیار معرفة الرجال*، ص۱۳۵.

۲. *تهذیب الأحکام*، ج۳، ص۲۷.

۳. *رجال النجاشی*، ص۱۱؛ و کان أبان إذا قدم المدینة تقوضت إلیه الحلق، و أخلیت له سارية النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله.

٤. *همان*، ص۳۲۳؛ با کناره هم چیدن توصیف «فقیه» در شرح حال محمد بن مسلم و «فقه علیه» در شرح حال علاء بن رزین، می‌توان «فقه مداری» یا «فقاهت» را مهم‌ترین شاخصهٔ محمد بن مسلم نزد اصحاب برشمرد.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.71.11.5]

و فقاهت محمد بن مسلم اشاره می‌کند،[1] زیرا علاء فقه را از او آموخته است و بیشترین رابطهٔ روایی با احادیث محمدبن‌مسلم دارد.

همو به هنگام نمایش از چهرهٔ علمی زراره، او را مجسمهٔ فضل و دین می‌داند.[2] جمیل بن دراج از برترین فقیهان طبقه دوم اصحاب اجماع،[3]جایگاه دین‌شناختی و بالندگی علمی خویش را مرهون آموزه‌هایی می‌داند که از زراره فرا گرفته است.[4]

جدول زیر میزان دریافت آموزه‌های دینی برخی از مصادیق «اصحاب ابی» از صادقین علیهما السلام و تعداد راویانی که آن آموزه‌ها را به نسل بعد انتقال دادند، به تصویر کشیده است.

تعداد سندهای نقل شده از امام باقر علیه السلام در کتب اربعه: ۸۲۷۴				
تعداد سندهای نقل شده از امام صادق علیه السلام در کتب اربعه: ۳۱۴۵۱				
نام راوی	مقدار نقل از امام باقر علیه السلام	مقدار نقل از امام صادق علیه السلام	جمع نقل از دو امام	تعداد راویان انتقال‌دهنده
محمدبن‌مسلم	۱۸۶۶	۱۲۹۰	۳۱۵۶	۱۰۶
زرارةبن‌اعین	۱۸۶۵	۸۱۰	۲۶۷۵	۹۳
ابوبصیر الاسدی	۴۳۶	۲۰۲۲	۲۴۵۸	۱۴۹
بریدبن‌معاویه	۲۰۲	۱۳۸	۳۴۰	۳۷

در نمودار زیر، راویان نسل اول امام باقر علیه السلام (أَصْحَابُ أَبِی) به عنوان سرشاخه

۱. *همان*، ص۲۹۸؛ العلاءبن‌رزین القلاء ثقفی... و صحب محمد بن مسلم و فقه علیه و کان ثقة وجه.

۲. *همان*، ص۱۷۵؛ زرارةبن‌أعین‌بن‌سنسن... شیخ أصحابنا فی زمانه و متقدمهم، و کان قارئا فقیها متکلما شاعرا أدیبا، قد اجتمعت فیه خلال الفضل و الدین، صادقا فی ما یرویه.

۳. *إختیار معرفة الرجال*، ص۳۷۵.

٤. *همان*، ص۱۳۴؛ جمیل بن دراج در پاسخ به‌تعجب ابی عمیر، تمام داشته‌های علمی خود را مرهون زراره می‌دانست: إِی وَ اللَّهِ مَا کُنَّا حَوْلَ زُرَارَةَبن‌أَعْیَنَ إِلَّا بِمَنْزِلَةِ الصِّبْیَانِ فِی الْکُتَّابِ حَوْلَ الْمُعَلِّمِ، ما پیرامون زراره مانند کودکانی هستیم که بر گرد معلم خود نشسته‌اند.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.71.11.5]

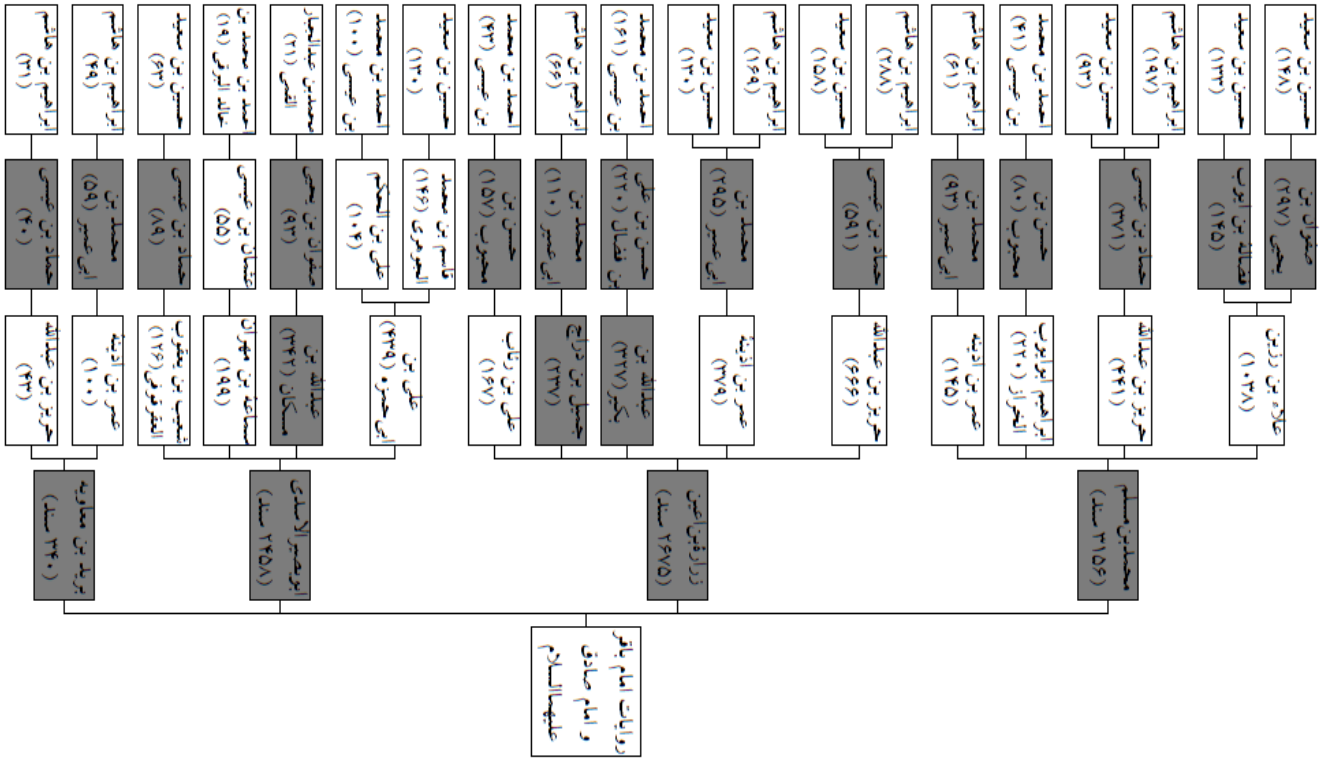
اصلی زنجیره انتقال آموزه‌های شیعه و همچنین ارتباط میان آن‌ها و شاگردان پرتکرارشان در نسل‌های پسین در انتقال میراث حدیثی کوفه به قم قابل مشاهده است.

با توجه به اهمیت داده‌ها و نمایش نموداری آن‌ها، یک نمونه جهت استفاده بهتر مورد بررسی قرار می‌گیرد: در کتب اربعه محمد بن مسلم مقدار ۳۱۵۶ سند از آموزه‌های دریافتی از صادقین علیهما السلام را گرد آورده است؛ این اسناد در قالب ۱۰۶ راوی[۱] به نسل‌های پسین منتقل شده که علاء بن رزین به عنوان یکی از شاگردان پرتکرار وی تعداد ۱۰۳۸ سند از او نقل کرده است. در نسل بعدی صفوان بن یحیی از طریق علاء بن رزین تعداد ۲۹۷ سند از این آموزه‌ها را دریافت و تعداد ۱۴۸ سند آن، از طریق حسین بن سعید به حوزه حدیثی قم انتقال یافته است.

۱. در شمار راویانِ از محمد بن مسلم با ۱۰۶ نفر مواجه هستیم که تعداد ۸ نفر بیشترین روایت را از او نقل کرده‌اند. می‌توان این افراد را به عنوان شاگرد و انتقال دهنده‌های اصلی آموزه‌های محمد بن مسلم قلمداد کرد.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.71.11.5]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.71.11.5]
[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]



یافته‌های بسیاری را می‌توان از این نمودار دربارهٔ انتقال تراث استنباط کرد؛ از جمله:

الف) نام‌بردگان در سلسه شاگردان "أَصْحَابُ أَبِی"، به عنوان افراد پرکار و شناخته شده در انتقال میراث فرهنگی شیعه هستند که بیشترین آن‌ها توثیق خاص دارند و تعدادی از آنها با مبانی توثیق عام، قابل توثیق هستند؛ مانند: علی بن ابی‌حمزه بطائنی و قاسم بن محمد جوهری و حسن بن علی بن فضال.[1]

ب) نه تنها مصادیق "أَصْحَابُ أَبِی"، یعنی زراره و محمد بن مسلم و ابوبصیر و برید از طبقه اول اصحاب اجماع هستند[2]، بلکه مهم‌ترین شاگردان و نیز شاگردانِ شاگردان آن‌ها از اصحاب اجماع به شمار می‌آیند؛ افرادی مانند جمیل بن دراج و عبدالله بن مسکان و عبدالله بن بکیر و حماد بن عیسی به عنوان طبقه دوم اصحاب اجماع[3] و افرادی مانند: صفوان بن یحیی و محمد بن ابی‌عمیر و حسن بن محبوب و حسن بن علی بن فضال و فضالة بن ایوب و عثمان بن عیسی از اصحاب اجماع در طبقه سوم متولی انتقال تراث به نسل‌های بعدی هستند.[4] (این راویان با رنگ خاکستری در نمودار نشان داده شده‌اند.)

ج) در ترجمه بعضی از شاگردان "أَصْحَابُ أَبِی" که در نمودار قرار دارند، با عباراتی

۱. اگر راوی در کارکرد اصلی (صاحب اثر بودن) و هم‌چنین در کارکرد تبعی خود (ناقل اثر راوی دیگر بودن) موفق عمل کرده باشد، به وثاقت مطلق توصیف می‌شود؛ ولیکن اگر راوی در کارکرد اصلی خود تضعیف شده یا ناشناخته باشد اما در کارکرد تبعی خود – مسیر انتقال آثار راویان پیشین– مورد اطمینان و اعتماد اصحاب قرار گرفته باشد به وثاقت نسبی متّصف می‌گردد. (ر.ک: *اعتبارسنجی احادیث* شیعه، ص ۱۹۶)

۲. *اِختیار معرفة الرجال*، ص ۲۳۸.

۳. *همان*، ص ۳۷۵.

٤. *همان*، ص٥٥٦.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.71.11.5]

مانند «قرأت، سمعت، له کتاب رواه عنه جماعات من الناس»[1] یا «له کتب یرویها جماعة»[2] روبرو می‌شویم. این‌گونه کلمات، اشاره به طراحی سیستم نگارش کتاب‌های حدیثی از سوی اهل‌بیت علیهم‌السلام و تلاش شاگردان نسل اول برای انتقال حدیث شیعه به نسل‌های پسین در سامانه طراحی شده توسط امام دارد.[3] بسیاری از نگاشته‌های اصحاب در این فرایند روش‌مند مورد استقبال چشم‌گیر جامعه شیعه قرار گرفت.[4]

آشکار است که این امر، مانع جدّی بر سر راه تحریف و دگرگون‌سازی آموزه‌های یک کتاب حدیثی است؛ حسن‌بن‌علی الوشّاء[5] یا حسن‌بن‌علی‌بن‌فضّال[6] به عنوان نمونهٔ عینی، کتاب‌ها و احادیث را بر شاگردان خود قرائت می‌کرده است. آن‌ها نیز پس از سماع و قرائت بر استاد و دریافت اجازهٔ نقل روایت از وی، این احادیث را در کتاب‌های خود ثبت می‌کردند. پس از گذشت این فرایند، بعضی از کتاب‌ها شیوع فراوانی پیدا می‌کرد. بدین جهت امکان جعل و تحریف و دسّ در این‌گونه از میراث احادیث به شدّت کاهش یافته و مورد اعتنا قرار نمی‌گیرد.

---

۱. *رجال النجاشی*، ص۱۲۷؛ مدخل جمیل بن دراج.

۲. *همان*، ص۲۹۸؛ مدخل العلاء بن رزین القلاء.

۳. راقمان سطور در پژوهه‌ای مستقل تحت عنوان: *الگوریتم سامانه انتقال حدیث شیعه به نسل‌های پسین* به بیان زیرساخت‌های روش‌مند امام باقر و امام صادق علیهما‌السلام برای انتقال حدیث شیعه به نسل‌های آینده پرداخته‌اند؛ امید آن‌که به زودی انتشار یابد.

٤. با جستجوی کلیدواژه‌های: "عدة، جماعة، جماعة کثیرة، جماعات، خلق" در کتاب رجال نجاشی می‌توان به فراوانی و شیوع گسترده کتاب‌های اصحاب پی‌برد.

۵. احمد بن محمد بن عیسی از مشایخ مهم حوزه حدیثی قم است که نام او در نمودار پیش‌رو آمده است، وی برای دریافت کتاب علاء بن رزین به‌حسن بن علی الوشاء مراجعه نموده و از او درخواست می‌کند که کتاب علاء و کتاب ابان را به او اجازه دهد اما وشاء اجازه خود را مشروط به استنساخ و سماع قرار می‌دهد. (*رجال النجاشی*، ص۳۹) از طریقی که نجاشی بر کتاب علاء ذکر می‌کند نشان‌گر آن‌است که احمد بن محمد بن عیسی این شرط را پذیرفته و کتاب را نزد الوشاء سماع کرده است. (*همان*، ص ۲۹۸)

٦. فضل بن شاذان درباره نوع درس‌آموزی خود از حسن بن علی بن فضال می‌گوید: ...ثُمَّ خَرَجْتُ إِلَیهِ بَعْدُ إِلَی الْکُوفَةِ، فَسَمِعْتُ مِنْهُ کِتَابَ ابْنِ بُکَیرٍ وَ غَیرَهُ مِنَ الْأَحَادِیثِ، وَ کَانَ یحْمِلُ کِتَابَهُ وَ یجِیءُ إِلَی حُجْرَتِی فَیقْرَؤُهُ عَلَی... (*همان*، ص ۳۵، *إختیار معرفة الرجال*، ص ٥١٦)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.71.11.5]

د) مصادیق "أَصْحَابُ أَبِی" شنیده‌های خود از صادقین علیهما السلام را در الواح[1] یا کتاب‌های منسجم و به هم متصل[2] گردآوری کرده بودند. به طور قطع می‌توان مدّعی شد که نگاشته‌های حدیثی آن‌ها، منابع اصلی کتاب‌های پس از خود هستند که با پیمودنِ فرایند قرائت و سماع[3] و اجازه با کم‌ترین میزان آسیب‌پذیری و بالاترین ضریب اطمینان به نسل‌های پسین انتقال یافته است.[4]

ه) انتقال نگاشته‌ها موجب آشکار شدن پدیده‌ای ویژه به نام "طریق" در فرهنگ اعتبارسنجی شیعه گردید. در واقع "طریق"، مسیری برای انتقال کتاب‌های حدیثی پیشین به نسل‌های بعدی است، نه انتقال مفاهیم شفاهی و زبانی. "طریق" می‌تواند منبع بسیار مناسبی برای شناخت راویان فعال و پر تکرار و چگونگی ارتباط حوزه-های مختلف حدیثی با یکدیگر باشد.

دستاورد:

جامعهٔ شیعی قبل از امامت امام باقر علیه السلام در یک محاصره و هجوم فرهنگیِ همه

---

۱. کشی در گزارش خود نقل کرده است که زراره سوالش را از امام صادق پرسید، لوح‌های خود را گشود تا پاسخ امام را بنویسد، اما امام پاسخ او را ندادند، پس وی الواح خود را بست. (*إختیار معرفة الرجال*، ص۱۴۳)

۲. *الکافی*، ج۷، ص۳٤؛ در این روایت محمد بن مسلم که به عنوان شاهد، مقابل قاضی ابن ابی لیلی حضور داشته است در نقد حکم قضاوت او می‌گوید: "سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَبنعَلِی علیه السلام یقُولُ..."، ابن ابی لیلی می‌پرسد: هَذَا عِنْدَكَ فِی كِتَابٍ؟، محمد بن مسلم پاسخ مثبت می‌دهد و دفتر خود را آورده و به ابن ابی لیلا بیان می‌کند: أَنْ لَا تَنْظُرَ فِی الْكِتَابِ إِلَّا فِی ذَلِكَ الْحَدِیثِ. از این گفتگو برداشت می‌شود که محمد بن مسلم شنیده‌های خود از امام باقر علیه السلام را در کتاب یا دفترچه‌های حدیثی متصل و به هم پیوسته می‌نگاشته است.

۳. فرایند قرائت و سماع برای انتقال تراث با دستور امام در جامعه شیعه نهادینه شده است. به عنوان نمونه: عبد الله بن سِنَانٍ خدمت امام صادق علیه السلام می‌رسد و می‌گوید: یجِیئُنِی الْقَوْمُ فَیسْتَمِعُونَ مِنِّی حَدِیثَكُمْ فَأَضْجَرُ وَ لَا أَقْوَی. قَالَ فَاقْرَأْ عَلَیهِمْ مِنْ أَوَّلِهِ حَدِیثاً وَ مِنْ وَسَطِهِ حَدِیثاً وَ مِنْ آخِرِهِ حَدِیثاً. (*همان*، ج۱، ص۵۲)

٤. نجاشی در طریق خود به کتاب حریز بن عبدالله سجستانی به فرایند قرائت و سماع در همه طبقات تاکید نموده است. (*رجال النجاشی*، ص۱۴۵)؛ یعقوب بن یزید از افراد پرکار و پایبند به اصول حاکم به فرایند احادیث شیعه است، کشی از او نقل می‌کند که نسبت به یونس عبدالرحمان خرده می‌گرفت و عدم پایبندیش به فرایند انتقال را مذمت می‌کرد: جَعْفَرُ بْنُ مَعْرُوفٍ قَالَ: سَمِعْتُ یعْقُوبَ بْنَ یزِیدَ، یقَعُ فِی یونُسَ وَ یقُولُ كَانَ یرْوِی الْأَحَادِیثَ مِنْ غَیرِ سَمَاعٍ. (*إختیار معرفة الرجال*، ص ۴۹۳)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.71.11.5]

جانبه از سوی پیروان مکتب خلفاء قرار گرفت. بدین روی، از دست‌یابی به آموزه-های دینی به شکل فراگیر محروم مانده بود؛ لذا بعد از امامت امام باقر علیه‌السلام، با تدبیر ایشان حرکت به سوی غنی‌سازی و تحول فرهنگی در بستر عمومی جامعه شکل گرفت.

مهم‌ترین ابزار غنی‌سازی و گسترش فرهنگ دینی در جامعه، پدیده‌ای به نام حدیث بود؛ حدیث، از گذر امام با واسطه و نقش‌آفرینی گروهی - که از آنان به راویان تعبیر می‌شود - به بستر عمومی جامعه انتقال یافت.

به دلیل گسست و فاصلهٔ جغرافیایی میان محلّ زیست امام (مدینه) و محلّ تجمع اصلی شیعیان (کوفه)، گروهی می‌بایست آموزه‌های دینی را در بالاترین سطح دریافت کنند و انتقال دهند.

در میان این گروه، افراد شاخصی حضور دارند که بیشترین نقش را در پیاده سازی طرح امام داشتند؛ از این افراد در لسان امام صادق علیه‌السلام به "أَصْحَابُ أَبِی" تعبیر شده است که دارای کارکردهای فرهنگی خاصّ بودند. مهم‌ترین ویژگیِ این راویان، گذردادنِ جامعه شیعی از مرحلهٔ فقر فرهنگی به‌مرحلهٔ شکوفایی فرهنگی در پرتو مدیریت امام معصوم علیه‌السلام بود.

آن‌چه اشاره شد، نشانگرِ فعلیت‌یافتن دغدغهٔ امام باقر علیه‌السلام و به ثمر رسیدن تعهدِ سپرده شده از سوی امام صادق علیه‌السلام به پدر بزرگوارشان می‌باشد که قدم به قدم پشتیبانی و تجهیز مجددِ زیرساخت‌های علمی شاگردان را به عهده گرفته و آن‌ها را سرآمد عصر خویش گرداندند.

پیشنهاد موضوع مقاله و پایان‌نامه

پس از تحقیق و نگارش مقاله حاضر به موضوعاتی برخورد شد که جای خالی آن در منابع مکتوب شیعی به صورت مقاله و پایان‌نامه احساس می‌شود:

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.71.11.5]

۱. نقش زراره و محمدبن‌مسلم در تثبیت بنیان‌های امامتی در عصر امام باقر علیه‌السلام
۲. امام صادق علیه‌السلام و تحکیم بنیان‌های فرهنگی شیعه
۳. بازخوانی طرح صادقین علیهماالسلام در خنثی‌سازی جریان فرهنگی ابوحنیفه
۴. فرایند شکل‌گیری شخصیت علمی زرارة بن اعین
۵. فقه‌مداریِ راویان پُرکار شیعه
۶. تبارشناسیِ فعال‌ترین راویان شیعه
۷. کارکرد فرهنگیِ راویان پُرکار شیعه
۸. جایگاه عبادیِ راویان کوشا و فعال شیعه

منابع

۱. *الإحتجاج علی أهل اللجاج*، احمدبن‌علی طبرسی، تحقیق: محمد باقر خرسان، نشر مرتضی، مشهد: ۱۴۰۳ق.
۲. *الإختصاص*، محمد بن محمد بن مفید، تحقیق: علی اکبر غفاری و محمود محرمی زرندی، کنگره شیخ مفید، قم: ۱۴۱۳ق.
۳. *إختیار معرفة الرجال*، محمد بن عمر کشی، محمدبن‌الحسن الطوسی، تحقیق: حسن مصطفوی، مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، مشهد: ۱۴۰۹ق.
۴. *اعتبار سنجی احادیث شیعه*، سید علیرضا حسینی شیرازی، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، تهران: ۱۳۹۷ش.
۵. *الأمالی*، محمدبن‌محمد مفید، مصحح: حسین استاد ولی، علی اکبر غفاری، کنگره شیخ مفید، قم: ۱۴۱۳ق.
۶. *آموزه تحدیث در خوانش شیعه و اهل سنت*، محمدتقی شاکر، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، قم: ۱۳۹۸ش.
۷. *التاریخ الاسلامی: دروس و عبر*، محمدتقی المدرسی، تهران:۱۴۱۸ق.
۸. *تاریخ الرسل و الملوک*، محمّدبن‌جریر الطبری، تحقیق: محمّد أبوالفضل إبراهیم، دارالمعارف، مصر: ۱۳۸۷ق.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.71.11.5]

۹. *ترجمهٔ ابی حنیفه*، محمدرضا جعفری، بنیاد فرهنگی جعفری، قم: ۱۳۹۵ش.
۱۰. *تهذیب الأحکام*، محمدبن‌الحسن الطوسی، تحقیق: حسن الموسوی خرسان، *دارالکتب الإسلامیة*، تهران:۱۴۰۷ق.
۱۱. *دائرةالمعارف بزرگ اسلامی*، مرکز *دائرةالمعارف بزرگ اسلامی*، تهران: ۱۳۶۷ش.
۱۲. *دعائم الإسلام*، نعمان‌بن‌محمد مغربی، تحقیق: آصف فیضی، *مؤسسة آل‌البیت*علیهم‌السلام، قم: ۱۳۸۵ق.
۱۳. *رجال النجاشی*، احمدبن‌علی نجاشی، *مؤسسة النشر الاسلامی التابعه لجامعة المدرسین بقم المشرفه*، قم: ۱۳۶۵ش.
۱۴. *عیون أخبار الرضا*علیه‌السلام، محمد بن علی ابن بابویه، تحقیق: مهدی لاجوردی، نشر جهان، تهران: ۱۳۷۸ق.
۱۵. *فرحة الغری فی تعیین قبر أمیرالمؤمنین علی‌بن‌أبی‌طالب*علیه‌السلام *فی النجف*، عبدالکریم بن طاووس الحلی، منشورات الرضی، قم: بی‌تا.
۱۶. *فهرست کتب الشیعة و أصولهم و أسماء المصنّفین و أصحاب الأصول*، محمدبن‌الحسن الطوسی، تحقیق: عبدالعزیز طباطبائی، *مکتبة المحقق الطباطبائی*، قم:۱۴۲۰ق.
۱۷. *قرب الإسناد*، عبد الله‌بن‌جعفر حمیری، *مؤسسة آل البیت*علیهم‌السلام، قم: ۱۴۱۳ق.
۱۸. *الکافی*، محمدبن‌یعقوب کلینی، تحقیق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، دار الکتب الإسلامیة، تهران: ۱۴۰۷ق.
۱۹. *مکارم الأخلاق*، حسن‌بن‌فضل طبرسی، انتشارات شریف رضی، قم: ۱۴۱۲ق.
۲۰. *نقش عناصر تاریخی در تبیین عقاید اهل‌بیت*علیهم‌السلام، سید مصطفی مطهری، سازمان چاپ و نشر دارالحدیث، قم: ۱۳۹۵ش.
۲۱. *نهج البلاغة*، محمدبن‌حسین شریف الرضی، تحقیق: صبحی صالح، انتشارات هجرت، قم: ۱۴۱۴ق.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.71.11.5]